

عبدی بیگ شیرازی

---

روضۃ الصفات



آکادمی علوم جمهوری شوروی سوسیالیستی آذربایجان

انستیتیوی ملل خاور نزدیک و میانه

عبدی بیگ شیرازی  
خواجه زین العابدین علی نویدی

# روضۃ الصفات

ترتیب متن و مقدمه

از

أبو الفضل هاشم اوغلی حمیوف

اداره انتشارات « دانش »

مسکو - ۱۹۷۴

ترجمہ اکتوبر  
علیٰ مینانی تبریزی

## بیشگفتار

در تاریخ ادبیات ایران با نام شاعر و مورخ برجسته‌ی سده‌ی شانزدهم خواجه زین العابدین علی (نویدی) عبدی بیک شیرازی (۱۵۸۰ - ۱۵۱۵) بندرت برخورد میشود. آثار شاعر نامبرده نیز که در فرا گرفتن ادبیات، تاریخ، معماری، نقاشی و خطاطی عرش حائز اهمیت ویژه‌ای است تاکنون در ایران بچاپ نرسیده است.

عبدی بیک شیرازی در ۹ ماه رجب سال ۹۲۱ هجری قمری (۱۹ اوت ۱۵۱۵) در شهر تبریز متولد شده است. نام پدر عبدی بیک عبدالمومن و نام جد پدر وی صدرالدین است. شاعر در مثنویهای خود مستقیماً راجع بپدرش صحبت نمیکند لیکن در منظومه "جام جمشیدی" خود که در ۹۲۳ (۱۵۳۷) با تمام رسیده است ضمن اندرز دادن بپدرش سعدالدین عنایت‌الله وفات پدرش را نیز یاد آور میشود. عبدی بیک در سال ۹۳۷ (۱۵۳۰ / ۳۱) پس از وفات پدرش عبدالمومن ناچار دست از تحصیل کشیده در دیوان‌خانه همایونی بشفق سیاق‌داری پرداخت.

عبدی بیک در چند مثنوی از دو پسر خود نام میبرد و بمثابة "یک پدر پاک سرشت اندرهای سودمندی بانها میدهد. شاعر از پسر ارشدش شمس‌الدین محمد مومن برای نخستین بار در منظومه "چگون و لیلی" خود که در ۹۴۷ (۱۵۴۰ / ۴۱) به‌پایان رسیده است نام میبرد. شمس‌الدین محمد مومن در سال ۹۴۷ (۱۵۴۰ / ۴۱) در شهر تبریز بدنیآ آمده است

دومین پسر عبدی بیک بنام جلال‌الدین سلطان محمد موسوم است. او در سال ۹۵۷ (۵۲ / ۱۰۵۱) در شهر قزوین بدنیا آمده است. شاعر در سال ۹۴۱ (۳۵ / ۱۵۳۴) سفری به گرجستان نموده است. در بازگشت از سفر گرجستان در سال ۹۷۴ (۶۷ / ۱۵۶۶) از قزوین به اردبیل کوچ نمود و پس از آنکه ۷ سال در مقبره \* شیخ صفی کار کرد در سن ۶۰ سالگی در ۹۸۱ (۷۴ / ۱۵۷۳) مجدداً به قزوین برگشت پس از آنکه در حدود ۶-۵ سال در قزوین بسر برد در اواخر عمرش به اردبیل برگشت و در سال ۹۸۸ (۸۱ / ۱۵۸۰) در همان شهر دار فانی را بدرود گفت.

عبدی بیک از سنین جوانی به فعالیت ادبی پرداخت. از نکات مندرجه در آثار شاعر بر می آید که وی قبل از آنکه در دیوان خانه شاه طهماسب بکار اشتغال ورزد با تخلص نویدی اشعاری از نوع غزل، قصیده، رباعی و غیره میسروده است. پس از طی مدتی از این جریان گویا به تشویق شاه طهماسب و قاسمی گنابادی مثنویهاش میسروده و در سلك پیروان مکتب ادبی نظامی داخل شده است.

آثار عبدی بیگ رنگارنگ و مشحون از لطایف است. او بموازات سرودن اشعار غنایی دارای تعداد زیادی مثنوی و آثار تاریخی میباشد که از آنها تا کنون وجود نسخ خطی زیر معلوم شده است:

«مظهر الاسرار» «جام جمشیدی» «مجنون و لیلی» «هفت اختر» «آیین اسکندری» (خمس اول) - «جوهر فرد» «دفتر درد» «انوار تجلی» «خزائن ملکوت» «فردوس العارفین» (خمس دوم) - «روضه الصفات» «دوحه الزهار» «جنة الامار» «زینت الاوراق» «حقیقة اخلاص» (خمس سوم) «تکملة الاخبار» «صريح الملك» .

آثار مزبور در موزه ها و کتابخانه های شهرهای باکو، تهران، تبریز، لنینگراد و لندن موجود است. نسخ خطی آثار دیگر شاعر مانند «سلامان و ابسال» و «طربنامه» و «دیباجة البیان» تاکنون

بدست نیامده است.

خسه‌ی سوم بترتیب شامل مثنویهای زیر میباشد:

- ۱- "روضه الصفات" در برابر "مخزن الشرار" در بحر سریع
  - ۲- "دوچه الازهار" در برابر "خسرو و شیرین" در بحر هزج
  - ۳- "جنة الائمارة" در برابر "لیللی و مجنون" در بحر هزج
  - ۴- "زینت الاوراق" در برابر "هفت‌پیکر" در بحر خفیف
  - ۵- "صحيفة الاخلاص" در برابر "اسکندر نامه" در بحر متقارب.
- خسه‌ی سوم از لحاظ حجم نیز از دو خسه‌ی اول کوچکتر است. در این خسه جمعاً ۴۱۳۵ بیت بشرح زیر وجود دارد: "روضه الصفات" - ۶۶۲ بیت، "دوچه الازهار" - ۱۱۷۰ بیت، "جنة الائمارة" - ۶۴۰ بیت، "زینت الاوراق" - ۱۰۸۹ بیت و "صحيفة الاخلاص" - ۵۷۴ بیت.

باوجودیکه مثنویهای خسه‌ی سوم عموماً بوض شهر قزوین اختصاص دارند ولی در هر مثنوی موضوع معینی موضوع اساسی و عمده است. مثلاً در مثنوی اول تصویر عمومی باغ سعادت آباد موضوع اساسی را تشکیل میدهد و حال آنکه در مثنوی دوم توصیف نقاشیهای دیواری بیش از هر چیز جلب توجه میکند. در مثنوی سوم میوجات حصول قزوین نظیر انواع خربزه و هندوانه توصیف میشوند و حال آنکه مثنوی چهارم بشرح حال و زندگی بایزید پسر سلطان سلیمان (۱۵۶۶-۱۵۲۰) اختصاص دارد والی آخر.

در ابتدای هر مثنوی قطعات کوچکی در توحید، نعت مناجات، مدح و غیره آورده میشود که خود دلیل بر آنست که هر مثنوی يك اثر جداگانه‌ای است.

نظری بادییات کهنسال آذربایجان و ایران نشان میدهد که شعرا هر گز يك خسه‌ی کامل یا يك اثر بدیعی بزرگ را بتوصیف مجموعه‌ی ابنیه‌ی يك کاخ یا يك باغ اختصاص نداده‌اند. در دیوان اشعار دهها و صدها شاعر اشعاری در وصف ساختمان و یا تعریف يك

باغ، يك كاخ، يك مسجد، يك حمام، يك مدرسه و نظایر آنها بچشم  
میخورد، لیکن خسهی سوم عبدی بیک از نظر حجم، مضمون، شکل و غیره  
از آثار دیگر شاعران متفاوت است.

بطوریکه میدانیم خواه قبل و خواه بعد از سدهی ۱۶ دانشمندان،  
شعرا، مورخان، جغرافی دانان سیاحان و غیره در آثار خود راجع  
بقرزویں بعنوان یکی از شهرهای قدیمی ایران اطلاعات گوناگونی داده  
اند (۱) ولی عبدی بیک خسهی سوم خود را بطرز متفاوتی از آثار  
دانشمندان و شعرای مزبور برشتهی نظم کشیده است.

در سال ۹۵۱ ( ۴۵ / ۱۵۴۴ ) شاه طهماسب ( ۱۵۲۶ - ۱۵۲۴ ) پایتخت  
خود را از تبریز بشهر قزوین که از لحاظ سیاسی و جغرافیایی برای  
او مناسبتر بود انتقال داد. دلیل این امر نیز آن بود که  
اردوهای دولت همسایه یعنی ترکیه بارها شهر تبریز را که بمرز  
آنها نزدیکتر بود اشغال و غارت کرده بودند.

پس از آنکه قزوین پایتخت شد باغ بسیار بزرگی بنام سعادت  
آباد در آن شهر احداث شد. خود شاه طهماسب، خویشاوندان نزدیک  
وی و همچنین اعیان و ارکان خاندان صفوی در اراضی باغ سعادت  
آباد برای خود کاخها ساختند و در اطراف آن کاخها نیز تعداد  
بسیاری اشجار تزئینی و درختان میوه و گل کاشتند. این باغها  
و گلزارها که در داخل باغ سعادت آباد احداث شده بود در  
آمنوع عموماً بنام صاحبان خود نامیده میشد. عبدی بیک در اثر  
"روضه الصفات" خود از باغ سعادت آباد، از "ارشی خانه" که در  
محوطهی آن باغ بنا شده ویژهی شاه طهماسب بود، از "خانهی

---

۱- راجع بآثار مختلف مربوط بقزوین رجوع شود به اثر "مینو دریا باب  
الجنة قزوین" تالیف سید محمد علی گلریز، تهران ۱۳۳۷ ش "صفحات ش" و  
ر، ح، ط ( از این بیعده ایتمطور خواهد آمد: م. گلریز، اثر نامبرده ).

شیروانی « و از باغهای ویژه‌ی سایر فئودالها بحث کرده و حتی در خصوص محل و موقع آنها نیز اطلاعاتی میدهد .

در اواسط سده‌ی ۱۶ عبدی بیک بعنوان يك شاعر شهرت یافته بود . در این هنگام او صاحب بیش از ۱۵ اثر بدیعی بود و بعنوان يك شاعر آرموده و کاردان کسب اشتها نموده بود . شاه طهماسب نیز که بر استعداد و قریحی شاعرانه‌ی وی وقوف یافته بود او را مأمور کرد که اثری در توصیف باغ سعادت آباد و کاخهای موجود در آن برشته‌ی نظم در آورد (۱) .

یکی از کسانی که برای نخستین بار از تاریخ احداث باغ سعادت آباد و چند عمارت دیگر آن اطلاعاتی میدهد بودای منشی قزوینی است چنین مینویسد: «... باغ سعادت آباد را که دیوار دور آن کشیده بودند درخت نشانند و تعمیر نمودند عمارت ساختند . اول سال تاریخ ساختن باغ آنکه «هرگاه که گل زباغ بیرون آری» و این قاعده است که باغ یک هزار و سه است هر گاه که گل از آن بیرون آرم پنجاه است از آن کسر شد نهصد و پنجاه و سه (۹۵۳) شد که ابتدای ساختن باغ است و سال ساختن عمارت درگاه باغ این است .» (۲)

از این گفته‌های بودای منشی چنین بر می آید که باغ سعادت آباد قزوین در سال ۹۵۳ ( ۱۵۴۶ / ۴۷ ) احداث گشته و نخستین کاخ این باغ نیز در همین سال ساخته شده است . با احتمال قوی این

---

۱- عبدی بیگ شیرازی . « روضة الصفات » ص ۱ ، ۸ ، ۳۷ ، ۳۸ . ( این اثر از این ببعده بصورت : « روضة الصفات » خواهد آمد .

۲- بودای منشی قزوینی . « جواهر الاخبار » برگ ۳۲۱ . باز نسخه‌ی خطی موجود در کتابخانه‌ی توده‌ای لنینگراد بنام سالتیکوف-شدرین ،

شماره‌ی ثبتی اثر دورن - ۲۸۹



کاخ همان نخستین بنای دولتخانه است که برای شاه طهماسب در باغ سعادت آباد بنا شده است. بعدها تا موقعی که دولتخانه‌ی تازه و مجلل دیگری ساخته شد همین کاخ اقامتگاه سلطان بود.

عبدی بیگ شیرازی در "تکملة الاخبار" خود ضمن شرح حوادثی که در سالهای ۹۶۵ - ۹۶۶ هجری (۵۹ / ۱۵۵۸ - ۵۸ / ۱۵۵۷) رخ داده است، بتقل مکان شاه طهماسب از دولتخانه‌ی کهنه بدولتخانه‌ی تازه اشاره میکند و مینویسد: "در این سال نواب همایون بدولت و اقبال روز چهارم شنبه هفتم ربیع الاول بمبارکی و طالع سعد از دولتخانه کهنه بدولتخانه مجدد که بر جانب اعلای قزوین عمارت فرموده بودند تحویل فرمودند (۱) با استناد بر نوشته های بالا از بوداق منشی و عبدی بیگ شیرازی میتوان گفت که پس از آنکه شاه طهماسب قزوین را پایتخت دولت صفوی ساخت دستور احداث يك دولتخانه‌ی موقتی را در باغ سعادت آباد صادر کرد. پس از آنکه مدت ۱۲ سال در همین بنای قدیمی دولتخانه اقامت کرد در سال ۹۶۵ (۱۵۵۸) ببنای دولتخانه‌ی جدید نقل مکان کرد (۲). عبدی بیگ بمناسبت همین نقل قصیده‌ای سروده و شش بیت از قصیده‌ی نامبرده را در اثر "تکملة الاخبار" خود بعنوان نمونه آورده است (۳).

- ۱ - عبدی بیگ شیرازی "تکملة الاخبار" برگ آ ۲۷۵ از نسخه خطی آرشیو انستیتوی ملل خاور نزدیک و میانه‌ی فرهنگستان علوم آذربایجان خوروی، شماره‌ی ثبتی - ۴۸ (از این بعد بشکل "تکملة الاخبار" خواهد آمد).
- ۲ - رداکتور این رساله با فکر ایجاد دولتخانه جدید که بنا بعقیده مادر داخل باغ سعادت آباد قرار گرفته است راضی نیست و لزوم تلفیق این مسئله را تنها با تکیه به مضمون مثنوی "روضه الصفات" که يك منظومه از خصه عبدی بیگ است خوروی و کافی نمیشمارد.
- ۳ - عبدی بیگ "تکملة الاخبار" برگ آ ۲۷۵

در « اثر تكملة الاخبار » عبدی بیگ شیرازی با نخستین اطلاعات راجع به سومین خستهی او یعنی « جنایت عدن » برخورد می‌شود. او ضمن شرح وقایع سال ۹۵۱ ( ۱۵۴۴ / ۴۵ ) می‌نویسد که :

« نواب کامیاب بدارالسلطنه قزوین باز گشته فنلامیشی فرمودند و منبعد قشلاق بقزوین مقرر شد و طرح باغ و دولتخانه در آنجا انداختند و به بهترین وضعی که چشم روزگار نظیر آن ندیده اتمام یافت و این [ فقیر ] در صفت آن عمارات و باغات پنج هزار بیت کتابی مشتمل بر پنج بحر مثنوی موسوم به « جنات عدن » نظم آورده و بسمع و نظر نواب همایون رسانیده » (۴)

لازم است در خصوص دو نکته از این نوشته‌های عبدی بیگ توضیحاتی داده شود .

الف. بطوریکه از شاهد مثال بر می آید شاعر متذکر می‌گردد که « جنات عدن » شامل پنج هزار بیت است. لیکن در نسخه‌ی خطی موجود فقط ۴۱۳۵ بیت دیده می‌شود. شاید هم شاعر پس از ختم اثر بدون آنکه ابیات آنرا بدقت شماره کند بطور تقریب تعداد ابیات « جنات عدن » را به پنج هزار بیت تخمین زده است .

ب. بااستناد آخرین جمله‌ی همین شاهد مثال میتوان نتیجه گرفت که شاعر پس از ختم اثر آنرا بسططان وقت شاه طهماسب تقدیم نموده است.

عبدی بیگ « جنات عدن » را بدستور شاه طهماسب برشته‌ی نظم در آورده است و خود شاعر در این باره چنین می‌گوید :

« امر توام ریخت خرد در دباغ

تا بکنم وصف خیابان و باغ

كلك هنر پيشه گرفتم بدست

تا بکنم وصف بدینسان که هست

سیر نمودم بریاض خیال  
تا بحقیقت نگم چیست حال  
چیست نهان مانده معانی خاص  
کان شده زین پیش زچنگم خلاص  
و آنچه زمن پیش سخن پروران  
رخش نواندند بفکرت در آن  
بادل خود داده یکایک قرار  
آدمم اینک بسر کار و بار  
از تو بفرمان علم افراختن  
وزمن جانباز بسر تاختن» (۱)

از این شاهد مثال چنین بر میآید که «جنات عدن» بدستور ویژه‌ی شاه طهماسب بنظم در آمده است و قبل از عبدی بیگ شاعر دیگری اثری در توصیف باغ سعادت آباد ننوشته است. عبدی بیگ در مقدمه‌ی «جنات عدن» نیز متذکر میشود که ماموریت دارد اثری در تعریف و توصیف باغ سعادت آباد و عمارات دارالسلطنه جعفر آباد بنویسد (۲) در پایان همین مقدمه نیز شاعر در خصوص نام سومین خمسه‌ی خود و نیز در خصوص تاریخ اختتام آن مینویسد:

«بی نام این نامه نامدار  
زمانه پسندیده جنات عدن

چو برسند تاریخ اتمام آن  
بگو رونقی دیده جنات عدن» (۳)  
ماده‌ی تاریخ اختتام «جنات عدن» در مصراع چهارم بشکل «رونقی

۱ - «عبدی بیگ» «روضه الصفات» ص ۸

۲ - همانجا ص ۱

۳ - همانجا ص ۲

دیده جنات عدن» بیان شده است. این کلمات بحساب ابجد برابر ۹۶۷ میباشد. پس عبدی بیگ سومین خمسه‌ی خود را در سال ۹۶۷ (۶۰ / ۱۰۰۹) به پایان رسانیده است.

نخستین مثنوی خمسه‌ی سوم (روضه‌الصفات) نیز مانند چهار اثر دیگر «جنات عدن» با يك مقدمه‌ی كوچك در توحید، نعت و منقبت آغاز میگردد. شاعر پس از دعای شاه طهماسب از سبب نظم اثر نیز صحبت میکند. قسمت عمده‌ی این اثر بتعریف و تصویر باغ سعادت آباد اختصاص دارد. از اطلاعاتی که شاعر میدهد معلوم میتود که باغ سعادت آباد و عمارات ساخته شده در آن بطوریکه در «تکلمة الاخبار» نوشته شده است از روی طرح معینی بنا شده است<sup>(۱)</sup>. «ارشی خانه» که در مرکز باغ سعادت آباد بنا شده کاخ ویژه‌ی شاه طهماسب بوده است. از سده‌ی ۱۶ بعد مورخان و دانشمندان بنای مزبور را چهل ستون هم نامیده‌اند. زمانی در مرکز طبقه‌ی یکم این کاخ يك حوض آب مربع مستطیل شکل و در اطراف خود نیز چهار ستون بوده است. همچنین نقاشیهای زیبایی این کاخ نیز بعلل مختلف تا امروز باقی نمانده‌اند.

ضمن بر رسی «روضه‌الصفات» معلوم میشود که خواه دیوارهای «ارشی خانه» و خواه دیوارهای «خانه شیروانی» که متعلق به بهرام میرزا برادر شاه طهماسب بود با عناصر تذهیب ختایی اسلیمی و بند رومی تزیین یافته شکل غاز، اردک، قرقاول، دراج سیمرغ، بلبل، قمری، آهو، پلنگ، شیر و سایر وحوش و طیور بر آنها نقش شده بوده است. علاوه بر اینها بر دیوارهای این کاخها نقاشیهای دیگری از آثار شعرای کلاسیک قبل از سده ۱۶ و بویژه از روی موضوعهای مختلف آثار نظامی و از روی «یوسف و زلیخا» ی جامی

---

۱- عبدی بيگ، «تکلمة الاخبار» ورق ۲۶۶ ب

و نیز از شکار گاه و غیره کشیده شده بود (۱) - توصیفهای مثنوی های عبدی بیگ برای بر پا ساختن این آثار هنری بعنوان سبک منبع معتبر راهنما میتواند مورد استفاده‌ی شایانی قرار گیرد . چند عمارت خیابان شخصی و حوض و غیره در اثر « روضة الصفات » چنان تصویر شده‌اند که امروز بر اساس همان تصویر میتوان نقشه‌ی تقریبی باغ را در آن موقع ترسیم نمود سیاح فرانسوی ش. شاردن که در اواخر سده‌ی ۱۷ از شهر قزوین دیده کرده مینویسد: « قصر ناهی هفت در دارد در معروف آنرا « عالی قاپی » میگویند یعنی در بلند ، در بالای آن کتیبه ایست بحروف طلائی که معنای آن این است: امید است که این در بدولت و سعادت باز باشد « با گواهی باینکه جز او خدائی نیست » (۲)

م . گلریز در حاشیه‌ای که بر این اظهارات ش. شاردن نگاشته متذکر میشود که یقیناً این کتاب از این دو مصراع عبارت بوده است:

گشاده باد بدولت همیشه این درگاه  
 بحق شهدان لا اله الا الله (۳)

باستناد سدرجات « روضة الصفات » میتوان گفت که در باغ سعادت آباد درختان تزئینی و میوه‌ای بسیاری از قبیل ارغوان، سرو، شمشاد، آلوگاو، گوجه، گلای، انار، انجیر، بادام، پسته، توت، زردآلو، سیب، شفتالو، گیلاس، فندق و غیره کاشته شده بوده است. در این باغ

۱ - عبدی بیگ شیرازی « کلیات نویدی » ص ۵۳۷ - ۵۳۵ ، نسخه عکسی شده موجود در ارشیو انستیتوی ملل خاور نزدیک و میانه آکادمی علوم جمهوری شوروی سوسیالیستی آذربایجان

۲ - م . گلریز، اثر نامبرده، ص ۲۰۸

۳ - همانجا

انواع گل‌های مختلف نظیر بنفشه، نیلوفر، خطمی، ریحان، زنبق، یاسمن، سوسن، لاله، ترگم، گل‌سرخ و غیره نیز بوده است. عبدی بیگ ضمن بحث از انواع انگورهای باغ سعادت آباد از انگورهای فخری، تبرزد، صاحبی، عسگری، ملاهی، احمدی و غیره تعریف میکند (۱).

هنگام تصنیف اثر «روضه‌الصفات» در باغ سعادت آباد ۲۳ باغ خصوصی و گلزار و موستان و چمنزار موجود بوده است. چهارده تا از این ابنیه در مشرق کاخ ارشی‌خانه بوده است که عبارتند از:

- ۱- باغ امام که توسط شاه‌قلی خلیفه ذوالقدر مهرداد اداره میشده است.

- ۲- باغ میر علی کسکنی .
- ۳- باغی که کاخ در وسط آن بنا شده .
- ۴- باغ مرداد بیگ
- ۵- باغ حسین بیگ یوزباشی اوستاجلو
- ۶- باغ عبدالله خان اوستاجلو
- ۷- باغ امیر دیوان بدرخان اوستاجلو
- ۸- باغ قورچی باشی
- ۹- باغ میر شمس‌الدین علی
- ۱۰- موستان
- ۱۱- باغ حاجی آقا
- ۱۲- گلزاری که بنام باغ غریبان مشهور بوده است.
- ۱۳- باغ فرخ زاد بیگ
- ۱۴- باغ خواجه قطب‌الدین جامی

---

۱- عبدی بیگ، «روضه‌الصفات» ص ۲۵ - ۲۴

در مغرب کاخ ارشی خانہ نیز ہشت باغ و یک چمنزار بشرح زیر  
بودہ است:

۱- باغ بہرام میرزا

۲- باغ سید بیگ

۳- باغ شاہ نعمت اللہ

۴- باغ قاضی ضیاء الدین

۵- باغ قاچار

۶- چمن قاسم بیگ

۷- باغ سید میرزا

۸- باغ قاضی ضیاء الدین

۹- باغ مہین بانو سلطانیم خانم

در خصوص اشخاصیکہ نام آنها در "روضۃ الصفات" بردہ میشود در  
"تذکرہ" شاہ طہماسب" (۱) در "مکالمہ" شاہ طہماسب با ایلچیان" (۲)  
در "تکملة الاخبار" (۳) در "جواهر الاخبار" (۴) در "شرفنامہ" (۵)  
در "احسن التواریخ" (۶) و سایر آثار تاریخی اطلاہات کم و بیش  
وجود دارد.

---

۱- طہماسب صفوی. "تذکرہ" طہماسب "کلکتہ" ۱۹۱۲ م

۲- "مکالمہ" شاہ طہماسب با ایلچیان" نسخہی خطی موجود در کتاب  
خانہی دولتی تودہ ای بنام سالتیکوف-شچدرین لنینگراد، شمارہ ی

ثبتی اثر درون - ۳۰۳

۳- عبدی بیگ، "تکملة الاخبار"

۴- بوداق منشی قزوینی، "جواهر الاخبار"

۵- شرف خان بن شمس الدین بدلیسی، "کتاب شرفنامہ" جلد ۲، پطربورغ،

۱۸۶۳ م

۶- حسن بیگ روملو، "احسن التواریخ" "کلکتہ" ۱۹۳۱ م

بعضی از این اشخاص از خویشاوندان نزدیک شاه طهماسب بوده‌اند.  
مثلا بهرام میرزا (۱) برادر صادی و وفادار شاه طهماسب و مهین  
بانو سلطانم خانم (۲) خواهر محبوب او است.

---

۱- بهرام میرزا در ۹۳۳ هـ. ق. (۱۵۱۲) متولد شده در ۹۵۹ هـ. ق. (۱۵۴۹) وفات کرده است. او بر خلاف دو برادر دیگرش القاص  
میرزا و سام میرزا تا آخرین دقائق عمر نسبت ببرادر بزرگش  
وفادار ماند. بهرام میرزا که بویژه در جریان محاصره‌ی هرات  
مراتنها بسیاری را متحمل شده بود پیوسته مورد احترام شاه  
طهماسب قرار گرفته و مناصب عالییه را اشغال نموده و در چند  
لشکرکشی اشتراک جسته است. شاه طهماسب یکی از دختران خود بنام  
گوهر شاد خانم را به پسر بهرام میرزا بنام ابوالفتح ابراهیم  
میرزا که با تخلص جاهی شعر نیز میسرود بشوهر داد و پریخان  
خانم دختر دیگرش را برای بدیع الزمان میرزا پسر دیگر بهرام  
میرزا نامزد کرد. در چند کتاب تاریخ و چند رساله‌ی مربوط  
بخطاطی و نقاشی اطلاعات فراوانی در خصوص کتابخانه‌ی شخصی بسیار  
غنی و متحون ابراهیم میرزا، در خصوص معلومات وسیع و همه  
جانبه‌ی او، در خصوص وقوف او بر خطاطی، نقاشی، تذهیب زرگری  
و هنرهای متعدد دیگر موجود است.

۲- مهین بانو سلطانم خانم دختر سوم شاه اسماعیل خطاشسی  
(۱۵۲۴-۱۵۰۲) است. او در سال ۹۲۵ هـ. ق. (۱۵۱۹) بدنیا آمده  
و در ۱۴ جمادی الاول ۹۶۹ (۲۰ ژانویه ۱۵۶۱) وفات یافته و در  
شهر مشهد بخاک سپرده شده است. مهین بانو سلطانم خانم همسر  
اختیار نکرده پیوسته در سایه‌ی حمایت برادرش زندگی کرده و تمام  
مدت عمرش را صرف انجام امور خیریه نموده است. او در حل  
بسیاری از مسائل بفرنج و معضلات امور مملکتی و نیز در انعقاد



عبدالله خان اوستاجلو (۱) و شاه نعمت‌الله (۲) نیز همسران خواهران شاه طهماسب بوده اند .

بیمان صلح بین دولت ترکیه‌ی عثمانی و دولت صفوی رل مهمی را داشته است . در چند اثر تاریخی مربوط به سده‌ی ۱۶ و از جمله در آثار تاریخی و بدیعی عبدی بیگ شیرازی بدفعات از مهین بانو سلطانیم خانم نام برده میشود و در باره‌ی فعالیت‌های ترقیخواهانه‌ی او بحث بعمل می آید .

- ۱- عبدالله خان اوستاجلو پسر قاراخان اوستاجلو خواهرزاده‌ی شاه اسماعیل خطائی است که پس از القاص میرزا و پس از اسماعیل میرزا پسر شاه طهماسب حاکم شیروان بود . در دوران حکومت عبدالله خان اوستاجلو که سیاحان اروپایی وی را "شاه شیروان" نامیده اند حاکمیت شاه طهماسب بر اراضی شیروانشاهیان بسیار استحکام یافت . در دوران حکومت او بویژه بمبارزات و عصیانها بر سر حاکمیت شیروانشاهیان پایان داده شد و دولت شیروانشاهیان بطور قطع جزء سر زمینهای عمومی دولت صفوی داخل گردید . عبدالله خان اوستاجلو در سال ۹۷۴ ( ۶۷ / ۱۵۶۶ ) در شیروان وفات یافت .
- ۲- شاه نعمت‌الله یزدی ( یا کرمانی ) شوهر دوم خانیش خانم دختر بزرگ شاه اسماعیل خطائی است . بهتر گفته شود " خانیش خانم در ۹۲۸ ( ۲۲ / ۱۵۲۱ ) با میر دیباج ملقب بمظفر سلطان حاکم گیلان شوهر کرد و پس از آنکه مظفر سلطان در ۹۴۲ ( ۳۶ / ۱۵۳۵ ) در شهر تبریز بامر شاه طهماسب بقتل رسید خانیش خانم با پسر خود نزد برادرش آمد و برای دفعه‌ی دوم بهسری شاه نعمت‌الله در آمد . خانیش خانم در ۹۷۱ ( ۱۵۶۳ ) وفات کرد و بنا بوصیت خود در کربلا مدفون شد . کمی پس از وفات او شاه نعمت‌الله نیز بیمار شد و در همان سال وفات یافت .

عبدی بیگ تاریخ اختتام "روضه الصفات" خود را در خاتمه‌ی اثرش  
طی بیت زیر بحساب ابجد ذکر کرده است:  
" هر که نشان جست ز تاریخ آن  
داد بگلزار بهشتش نشان " (۱)

کلمات عبارت " بگلزار بهشت " بحساب ابجد ۹۶۷ است. پس عبدی بیگ  
"روضه الصفات" را در ۹۶۷ ( ۱۰۵۹ / ۶۰ ) بیابان برده است. چون  
شاعر در این سال در شهر قزوین بسر میبرده است پس میتوان  
گفت که "روضه الصفات" را در قزوین بنظم کشیده است.  
عبدی بیگ "روضه الصفات" را نیز مانند سایر مثنویهای قبلی  
خود بزبانی ساده نوشته است. این اثر با مقوم بدیع و تازه  
و با موضوع جالب خود برای دانشمندانی که بیژوهش در ادبیات  
سده‌ی ۱۶ ایران مشغولند و بویژه برای دانشمندانی که در باره‌ی  
تاریخ قزوین به تتبع میپردازند میتواند یکی از منابع اطلاعات مهم  
و اساسی باشد.

در نسخه‌ی "روضه الصفات" که برای چاپ آماده شده خود ویژگیهای  
املای سده‌ی ۱۶ نگهداری میشود. از خسه‌ی سوم عبدی بیگ شیرازی  
در حال حاضر فقط يك نسخه‌ی خطی بدست ما رسیده است و اثر نیز  
بر پایهی همان نسخه‌ی خطی منحصر بفرود آماده شده است. این  
نسخه خطی که در کتابخانه‌ی مرکزی دانشگاه تهران نگهداری میشود (۲)  
در سال ۹۹۹ ( ۶۲ - ۱۵۶۱ ) توسط خطاط نامعلومی از نسخه خود  
شاعر استنساخ شده است و با خط نسخ ریز در چهار ستون نوشته

---

۱- عبدی بیگ "روضه الصفات" ص ۳۷

۲- محمد تقی دانش پژوه "فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران" ص ۹  
جلد ۹ "تهران" ۱۳۴۰ش ص ۱۰۷۸ - ۱۰۷۷

شده و در هر صفحه آن تقریباً ۴۵ بیت وجود دارد .  
 در عکسهایی که از روی میکروفیلم نسخه خطی برداشته شده  
 قرائت بعضی کلمات بدشواری صورت میگیرد برخی کلمات و معرعاها  
 نیز اصلاً خوانده نمیشود . در پایان اثر سیاهه‌ای از این کلمات  
 داده میشود که چنانچه بعضی از این کلمات درست خوانده نشده  
 است، دانشمندان ایرانی با استفاده از نسخه‌ی اصلی بتوانند  
 بتصحیح کلمات مزبور بپردازند .

باید خاطر نشان ساخت که بیت ۳۲۱ بدون شك در اثر سهل انگاری  
 نسخا درست نقل نشده است . بمقیده‌ی راسخ ما بیت مزبور در اصل  
 از دو بیت عبارت بوده و يك مصراع از هر بیت از قلم افتاده  
 است . این بیت نیز بهمان شکلی که در نسخه‌ی خطی هست آورده شده  
 است .

\* \*  
 \*

این جانب از آکادمیسین عبدالکریم علی زاده، از نامزد علوم  
 هنرشناسی علی مینائی رداکتور کتاب و همچنین از نامزد علوم  
 فیلولوژی حسن زرینه زاده و نامزد علوم تاریخ هدایت حاتمی که  
 در قرائت بعضی کلمات دشوار بما کمک کرده اند صمیمانه سپاسگزاری  
 مینمایم .

در جمع آوری اسناد و مدارك راجع بحیات و فعالیت ادبی عبدی  
 بیک شیرازی عده‌ای از دانشمندان ایرانی نیز باین جانب کمکهای  
 گرانبهائی نموده اند . آقای محمد تقی دانش‌پژوه در باره‌ی نسخ  
 خطی آثار شاعر بما اطلاعاتی داده اند . همچنین آقایان دکتر ذبیح  
 الله صفا و دکتر عبدالرسول خیامپور میکروفیلم آثار شاعر را برای

ما ارسال داشته‌اند . بدینوسیله مراتب سپاسگزاری عمیق خود را نسبت  
بتمام دانشمندان نامبرده ابراز میداریم .  
یقیناً در چاپ اثر باز هم قرائت دقیق بعضی کلمات دچار  
اشکال شده و یا آنکه پاره‌ای از مطالب از نظر دور خواهد ماند .  
از خوانندگان گرامی که لطفاً باین نارسائیه‌ها اشاره نمایند قبلاً  
تشکر مینمایم .

باکو ۲۵ آوریل

ابوالفضل رحیموف

# رُوضَةُ الصِّفَاتِ

## [ دیباچه ]

بسم الله و بحمده و بحمده و نصلی علی محمد و آله هذا معروض  
 طایفان این روضه جانبخش که هذا جنات عدن فادخلوها  
 خالدین کتابه درگاه اوست و سایرین این دوحه روان بخش  
 که جنات عدن اللقی و معها المتقون نشانه از ساحت فردوس اشتباه  
 اوست آنکه چون از ذروه فرمان این ذره سرگردان مامور  
 بتوصیف باغ سعادت آباد و تعریف عمارت دارالسلطنه جعفر  
 آباد بود سحری چند گهروار درسلک نظم کشید و دمی چند از  
 معانی درقوالب الفاظ دمید و چون بحر و اسلوب معین نبود  
 لاجرم دربحورخمسه باسالیب مختلفه بنظم آورده پنج  
 رساله ترتیب داد و هر رساله را نامی علیحده نهاده رساله  
 اولی موسوم بروضه الصفات در ذکر مجملی از احوال آن  
 ریاض ارم نهاد کم یخلق مثلها فی البلاد ببحر مخزن الاسرار  
 رساله دوم موصوف بدوحه الازهار در بیان احوال ربیعیه  
 و انکشاف مضمون آیه ان الله یحیی الارض بعد موتها  
 ببحر خسرو و شیرین رساله سوم معروف بجنة الاتمار  
 در بیان چگونگی اوضاع صیفیه و اظهار مدلول کریمه و ذاکمه  
 کثیره لامقطوعه و لامنوعه ببحر لیلی و مجنون رساله چهارم مشهور

بزینت الاوراق در بیان رنگ آمیزی ایام حریفیه و افشای  
مصدوقه صبغة الله و من احسن من الله صبغة بجرهفت  
پیکر رساله پنجم مدعو بصحیفه الاخلاص در بیان کیفیت  
اوقات شتویه که مردم پای از باغ و ریح کشیده در گوشه  
امنیت از روی اخلاص به نیت دهای شاه دین پناه بفرموده  
ادخلوها بسلام آمین آرمیده اند بجر اسکندرنامه و مجموع  
این رسایل خمه موسم بجئات عدن گشته و بعد از اتمام  
هر پنج رساله این قطعه برسم تاریخ از عالم غیب رخ نموده  
پی نام این نامه نامدار زمانه پسندیده جئات عدن  
چو پرسند تاریخ اتمام این بگو رونقی دیده جئات عدن  
امید که از سعادت قبول محروم نگردد  
و السلام علی النبی و آله

برگل این باغ سعادت طراز  
 نام خدا بود نخستین نوا  
 ز آئینه طبع بحسن بیان  
 حمد خدا را که جهان آفرید  
 ۵ ز آب روان باغ بدن تازه کرد  
 باغ فلک پر ز عجایب نمود  
 سوسن آزاد از و حمد خوان  
 نرگس بیننده از و فیض بین  
 بردش از روی خضوع و خشوع  
 ۱۰ بهر پرستندگیش صبح و شام  
 طبع چو من ذره خاکی نهاد  
 کلک بیان با همه حرافیش  
 شوق شنایش چو فتد در سرم  
 حیرتم از ناطقه قوت برد  
 ۱۵ سر ز خجالت چو به پیش افکتم

بلبل اندیشه چو شد نغمه ساز  
 کامد از آن بلبل شیرین ادا  
 گشت قلم طوطی الحمد خوان  
 باغ تن و روضه جان آفرید  
 مرغ ز بانرا فلک آوازه کرد  
 صحن زمین پر ز غرایب نمود  
 حمد ویش ساخته رطب اللسان  
 سنبل تر از کرمش خوشه چین  
 میل بنفشه بسجود و رکوع  
 شبنم و سبزه بقعود و قیام  
 کیست که مدحش کشد اندر سوا  
 قایل عجز است زوصافیش  
 رخس خود در تک و پو آورم  
 از تک و پوی خردم و خرد  
 دست بدامان محمد ز نم

## فی النعت

روضه روحم سحر آمد بجوش  
 روحم از ان ورد خجسته ورود  
 بوی رسول اللهم اندر مشام  
 گشت از او راد ملک پر خروش  
 رفت چو بلبل بسماع و سرود  
 شد قلمم نافه گشای سلام



پادشه مشرق و مغرب گشای  
 سید و سردفتر آزادگان  
 از عرق او گل دین خورده آب  
 لاله باغ از رخ او داغ دار  
 برد یمان از تن او فیض یاب  
 سوسن آزاده صحرای جود  
 مهر برین لرزه کنان بر سرش  
 روح امین بنده فرمان او  
 لایق دیباچه نعتش نبود  
 دست بر آورد بمعجز کلیم  
 شد بدمی فیض ده عالمی  
 کان همه شورا ز نمکش یافت شهر  
 ختم شده کار رسالت بوی  
 یوشع بن نون بوصایت گذاشت  
 یانث سزاوار چنان منصبی  
 شد علم مرتضوی اوج کیر

سید بطحی شه یترب گشای  
 ۲۰ سرور و سرخیل فرستادگان  
 باغ جهان از گل او فیض یاب  
 نرگس او سرمه مازاغ دار  
 سرو چمان از قدا و خورده تا  
 نرگس بیننده باغ شهود  
 ۲۵ روح قدس طوف کنان بردش  
 مهر برین شمسه ایوان او  
 خطبه هب لی که سلیمان سرو  
 یافت ز نورش اثری بس عظیم  
 یافت مسیح از نفس او دمی  
 ۳۰ یوسف دهر از نمکش داشت بهر  
 نیست رسول دگر او را ز پی  
 موسی عمران چو جهان را گذاشت  
 او چو علی بن ابی طالبی  
 خطبه او خواند بروز غدیر

در منقبت حضرات ائمه معصومین علیهم السلام  
 ۳۵ قافلهای صلوات و سلام  
 خاسته از روضه خیر الانام  
 یافته ز اکرام دران روضه راه  
 کرد نجف طوف کنان صبحگاه

فیض رسان گشته بنزدیک و دو  
 در پسندیده قدسی صدف  
 نور نشان بر سر چرخ اثیر  
 تاج سر خطبه اثنی عشر  
 فیض ده دهر ز روز الست  
 چون بگلستان حمل آفتاب  
 فیض ده مملکت اصطفی  
 رایت اقبال حسین اوج کیر  
 شرع نبی زین زین العباد  
 یافت به باقر علم دین قیام  
 جعفر صادق علم افراز شد  
 داد ز سر دولت دین را نوی  
 شد ید بیضا ز رضا آشکار  
 شد درم افشان ز کنوز مراد  
 داد نقی رونق دنیا و دین  
 حجة قائم شه عالی مقام  
 حضرت طهماسب شهبش نایبست

روضه شاه نجف از فرط نور  
 شاه نجف اختر برج شرف  
 خاک در آن شه والا سریر  
 ۴۰ منقبت آن شه نوع بشر  
 از ده و دو برج امامت که هست  
 برج نخستین شده زو فیض یا  
 بود پس از وی حسن مجتبی  
 گشت پس از وی بمعلى سریر  
 ۴۵ یافت پس آنگاه بحسب مراد  
 خاست چو از مسند خویش آن <sup>پام</sup> آ  
 باز چو او در تقی راز شد  
 از پی صادق علم موسوی  
 رفت چو موسی سوی دار القوار  
 بعد رضا دست تقی جواد ۵۰  
 بعد تقی از صف اهل یقین  
 هست کنون مهدی هاری امام  
 او چو بفرمان خدا غایبست

## در دهای دولت شاه دین پناه

شاه فلک رتبه خوشیدجاه      خسرو دین دار شریعت پناه

خضر سکندر در دارا سریر  
 موسوی مصطفوی خاندان  
 مرکزانه دایره تیز گرد  
 خرمی باغ سعادت ازو  
 خیمه چرخ از علم او پای  
 نقطه پرگار جهان سایه اش  
 وز حسب مصطفوی ارجمند  
 همچو سلیمان صف فرمان بسر  
 خیل دعاگو عوض دادخواه  
 صورت او نورده اختران  
 برضعفا مرحمتش بردوام  
 حجت قاطع بجهان آشکار  
 مذهب اثنی عشری را رواج  
 خون بدل خم نفتاد از شراب  
 آمده پا مال چو مال یتیم  
 آمده سر رشته تقوی بکف  
 آمده در حفظ دبا و فروج  
 صورت نوداده بدینا و دین  
 صورت و معنی بهم آمیخته  
 جمله آفاق بفرمان او

۵۵ شاه فریدون فر دانا ضمیر  
 شمع منیر صفوی دودمان  
 مقصد هفت اختر گیتی نورد  
 روشنی شمع سیادت ازو  
 خامه دین از رقمش مشکسای  
 ۶. سایه فکن چتر فلک پایه اش  
 از نسب مرتضوی سر بلند  
 بر سرش از خیل ملایک حشر  
 در ره آن شاه ملایک سپاه  
 سیرت او سیرت پیغمبران  
 ۶۵ سایه لطفش بسر خاص و عام  
 کرده بشمشیر سلاطین شکار  
 داده پیرهان بری از لجاج  
 کس نشد از باده بعهدش خراب  
 آنکه عنب بود بعهد قدیم  
 ۷. کشته بدورش همگی بر طرف  
 بسته ره بغی بر اهل خروج  
 با قلم مانوی عنبرین  
 دولت و دین هر دو بر انگیخته  
 رونق اسلام بدوران او

آب زن آتش آخر زمان  
 شاه ولایت مدح کار او  
 افسر او زیور خورشید باد  
 شبیه کسرا ز علمش دور باد  
 باد فروزنده چو جسم از رو<sup>ن</sup>  
 دم بدم او را ظفری تازه باد  
 باد دعا گوی چو عبیدی هزار

۷۵ سایه او مایه امن و امان  
 روح رسول است هوادار او  
 دولت او دولت جاوید باد  
 بر علمش سر علم نور باد  
 دولتش از دولت صاحب زمان  
 ۸۰ کوس جلالش فلک آوازه باد  
 در چمن دولت او هر بهار

## سبب نظم کتاب

از تو مباد افسر شاهی تهی  
 در ره تو جبهه کار آکهان  
 بست ازین سلسله نوعای ظلم  
 شعله شمشیر تو آفاق سوز  
 خاک رهت سرمه امید من  
 تا برهت ریختمی در نفس  
 جمله بعمر تو در افرودمی  
 حق توام طوق نه گردنت  
 به که دعای تو کنم بی ریا  
 عمر تو بسیار و سعادت قرین  
 دست خدا دافع اعدای تو

ای بسرت افسر ظل الهی  
 وی بدرت سجده شاهشهان  
 سلسله عدل تو بر پای ظلم  
 ۸۵ صورت و معنی تو کیتی فروز  
 خدمت تو دولت جاوید من  
 حیف که بر جان نبود دست<sup>س</sup>  
 دست بعمر خود اگر بودمی  
 زان همه نعمت که ترا بر منست  
 ۹۰ خدمت من نیست بغیر از دعا  
 باد معین تو جهان آفرین  
 ورد ملک حرز سراپای تو

روز شریفیت همه نوروز باد  
 تا بکنم وصف خیابان و باغ  
 تا بکنم وصف بدینسان که هست  
 تا بحقیقت نگرم چیست حال  
 کان شده زین پیش ز چنگم خلاص  
 رخس نراندند بفکرت دران  
 آدم اینک بسر کار و بار  
 وز من جانباز بسر تاختن  
 نغمه احسنت رساند بگوش

رایت جاهت فلک افروز باد  
 امر توام ریخت خود در دماغ  
 ۹۵ کلک هنر پیشه گرفتم بدست  
 سیر نمودم بریاض خیال  
 چیست نهان مانده معانی خاص  
 و آنچه ز من پیش سخن پرور  
 بادل خود داده یکایک قرار  
 ۱۰۰ از تو بفرمان علم افراختن  
 نغمه بر آرم که خجسته سرش

### مقدمه در ذکر مجملی عمارات و باغ مبارک سعادت آباد

خطّه قزوین چو شدش تختگاه  
 گشت بيمين قدم شه زياد  
 يافت عمارت همه ويرانها  
 آب فزون گشت بهرجوی او  
 حشمتش از افلاک برآورد سر  
 دانه اش از دولت شه گشت در  
 جای شکوفه دم آورده بار  
 مذهب شیعی همه آموختند  
 شیعی اثنی عشری شد پدید

خسرو والا گهر دین پناه  
 رونق این خطّه بحسب مراد  
 خاست نوای فرح از خانها  
 ۱۰۵ ابر کرم خاست زهرسوی او  
 کشت وی از خاک برآورد سر  
 خوشه هر کشت شد از دانه پر  
 شاخ درختانش بفصل بهار  
 مردمش از علم رخ افروختند  
 ۱۱۰ سنی از آن خطه قدم درکشید

ساخته از جنت عدنش زیاد  
 ساخت عمارات بهشتی سرشت  
 خاک رهش بر سرافلاک راه  
 کرد بر اطراف وجوانب نظر  
 رفعت خود را ز فلک کم نیافت  
 دست بر آورد بحمد خدای  
 شکل ستونهاش علمهای نور  
 معتکف ساخت جان پرورش  
 خیره شد از شعشعه ششم  
 هر طرفش مشعل نوری عیان  
 کوتاه از آن حادثها را کمند  
 داشته با عالم بالا سری  
 رایت خورشید کند آشکار  
 نقش نگاشته ز دارالسلام  
 کین همه در مملکت افکنده تا  
 گشت نگارنده بفرمان شاه  
 مردم و دیو و پری و وحش و طیر  
 جمله نقوش و صور آنجا رقم  
 جنتی و انسیش بر اطراف قصر  
 غیرت مجموعه ارتگ شد

عدل شهنشاه بحسب مراد  
 شاه در آن خطه همچون بهشت  
 یافت ز ایوان فلک دستگاه  
 قبه قدرش چو بر افراخت سر  
 ۱۱۵ مثل خودی در همه عالم نیافت  
 لاجرم از کنگره عرش سای  
 جنتی آراسته دور از تصور  
 دولت و اقبال مقیم درش  
 شمسه او نور فکن بر سپهر  
 ۱۲۰ بر شرفش خیل ملک پاسبان  
 از شرف آنرا شرفات بلند  
 جام وی از خلد گشاده دری  
 شمسه او در دل شبهای تار  
 شیشه الوانش بتا بنده جام  
 ۱۲۵ دیده ز جامش اثری آفتاب  
 نقش طرازنده در ایوان شاه  
 ساخت باندریشه آفاق سیر  
 کرد بامر شه مانی قلم  
 شاه در آن قصر سلیمان عصر  
 ۱۳۰ هر طرفش پر رقم و رنگ شد

کلک خطای رقم سحرکار  
 داد ز نیلوفر نیکو فرش  
 کارگل و لاله برآمد بابر  
 ساخته صد شاخچه نقش از میان  
 ۱۳۵ فصل بفصل از رقم بی نظیر  
 صورت مرغان و درختان درو  
 اثر درو سیمرخ بهم ساخته  
 شکل هر برش ز سر گا و گنج  
 پنجه در انداخته بر گا و شیر  
 ۱۴ هر طرف از خامه وری ذوفنون  
 مهر چو در کاسه طلا کرد حل  
 شد صدف چرخ پراز لاجورد  
 صبح بیامیخت سفید آب خوش  
 گشت معصفر شفق شامگاه  
 ۱۴۵ پرتو خورشید بدیوار و در  
 قبه قصرش زده سر با سپهر  
 سایه حق پادشاه ملک و دین  
 کنگر طاقش بفلک همزبان  
 عکس پذیر آمده فرشش ز عرش  
 ۱۵۰ شمسه او شمس صفت تابناک

صد گل و صد برگ نمود آسگار  
 همچو فلک هر طرفی زیورش  
 از دل بیننده بر انداخت صبر  
 راه فرنگی زده اسلامیان  
 یافته فصالی خاطر پذیر  
 خیره شده دیده رضوان درو  
 باز بیط پنجه در انداخته  
 شعله بر آرد ز دل کارسنج  
 تاخته بر کور پلنگ دلیر  
 عالم دیگر ز دو عالم برون  
 یافت بتقریب در آنجا محل  
 تا بصد اندیشه درو جای کرد  
 در نظرش کار خود انداخت پیش  
 یافت باین رنگ در آن قبه راه  
 ساخت آن قصر گرفته بزر  
 شرفه بامش شرف ماه و مهر  
 ساخته تمثال فلک بر زمین  
 طایر بامش بملک تو امان  
 صورت عرشش شده ظاهر زورش  
 در دل شب ذره بر آرد ز خاک

ابروی طاقش زمقونس بچین  
 سقف وی از غایت صافی جواب  
 بر سر هر در ز کتابه نقوش  
 شکل کتابه بدرش باب باب  
 ۱۵۵ هر در او روزن خیر و صواب  
 دولت و خیر و برکت از برون  
 پرتو خور سایه صفت بر زمین  
 چشمه خور کرده بحوش گذار  
 گرنه ز رشکش بدل افتاده تا  
 ۱۶. سبزه که برخاسته ز اطراف جوی  
 هر طرفش باغ بهشتی نسیم  
 خارج این خانه جنت مثال  
 کرده خیابان مسرت فزای  
 همچو فلک خطه مینو نشان  
 ۱۶۵ کوچه آراسته از خرمی  
 سیر در آن کوچه بود غم زدل  
 فیض مسیحا نیش اندر هوا  
 غنچه صفت دل شکفت از هواش  
 فیض نسیمش ز صبا و شمال  
 ۱۷. لطف هوایش زدرون غم زدای

حادثه را کرده گریزان بچین  
 هر طرفش نقش مثبت حباب  
 ساخته تمثال طیور و وحوش  
 لوحه شده بر سر آرم الکتاب  
 بسته نه بیندککش از هیچ باب  
 سرزده از پنجه هایش درون  
 سایید از اخلاص بر آنجا بچین  
 یافته در خویش از آن خار خار  
 بهر چه انداخته خود را در آب  
 گشته بپاکی چو خضر تازه روی  
 قصر بهشت آمد و باغ نعیم  
 کاخترش از دهر نه بیند و بال  
 کرد ملال از دل مردم زدای  
 گشته خیابان بفلک که کشان  
 دیده از و دیده و ران بی غمی  
 محو نماید غم عالم ز دل  
 گلشن جانرا شده رونق فزا  
 خلد صفت روح فزاید نضاش  
 برده زد دل گردد و ز خاطر ملال  
 غیر غم عشق نمانده بجای



فسحت او زنده کند مرده را  
 دیده صفت عشرت مردم درو  
 روح فزا باد دلارای او  
 سبزه او برده قرارو شکیب  
 ۱۷۵ آب وی از سبزه تر عکس گیر  
 عکس نباتات پذیرفته آب  
 سبزه نازک زده از ریگ سر  
 هرکه بر آن ریگ شده جلوه ساز  
 دیده زهر ریگ صفای دگر  
 ۱۸۰ دیگ هوس آمده آنجا بجوش  
 داده بدل لطف هوایش فراغ  
 شاه از آن کوچه چون که کشان  
 چون رهی این گونه فتاده بدست  
 از دو طرف خاسته دیوار راست  
 ۱۸۵ گرسر پرگار نهی از دوسو  
 از طرفینش دو خط مستقیم  
 شاخ درختان زد و سوعش رس  
 شاه خیابان چنین کرده ساز  
 از طرفی در گه دولت سرا  
 ۱۹۰ کشته دو در گه زد و سو رو برو

تازه کند خاطر افسرده را  
 صد چو خیابان هری گم درو  
 عمر فزا آب طرب زای او  
 چون خط خوبان شده خاطر فزا  
 چون هوس خط بتان در ضمیر  
 حب نبات آمده هوس و حباب  
 داده ز عشرت بدر و نهان خبر  
 هرکه بر آن سبزه گذشته نیاز  
 خوانده زهر برگ نوایی دگر  
 بلبل دل کرده زمستی خروش  
 برده برون خشکی زهد از دماغ  
 داده ره راست بمردم نشان  
 راست روی کرده درو هر که هست  
 ساخته ز انسان که خرد راهواست  
 یکسر مونست تفاوت درو  
 کشته ز رشکش دل گردون دینم  
 کشته پی طایر قدسی قفس  
 یا دری از خلد برین کرده باز  
 در طرفی باغ سعادت فزا  
 غلغله انداخته در چارسوی

یافته زینت ز زرو لاجورد  
 رفته هزاران فدک آنجا بگردد  
 هردو دراز هر دو طرف پرز روح  
 همچو در آغاز کتب چار لوح

## آغاز صفت باغ مبارک سعادت آباد

خامه ازین باغ سعادت ثمر  
 گفت که بسم الله و بگشاد در  
 باغ مگو روضه امید گوی  
 روضه مگو جنت جاوید گوی  
 ۱۹۵ اول ازین روضه جنت مثال  
 آنچه مرا روی نمود از خیال  
 در نظر سحر بیانان کشم  
 تحفه جان در بر جانان کشم  
 باز نمایم صفتش مرز مرز  
 کان بچه فتح است وجه طرح و چه طرز  
 عرصه این روضه عشرت مدار  
 تخته نردیست بنقش و نگار  
 کشته دو سطح متقاطع دو چار  
 چار خیابان زد و سطح آشکار  
 ۲۰۰ کار جهان دیده گشاد اندرو  
 خوانده همه نقش مراد اندرو  
 فی غلظت تخته نردش مگوی  
 زانکه به پیش نظر نیض جوی  
 صفحه نظم نیست بسی دلپسند  
 ناظم آن طبع شه ارجمند  
 جدول این صفحه فرخنده فال  
 چار طرف جوی پر آب زلال  
 مرز عیان چون اثر مسطرش  
 سبزه و ریحان خط جان پرورش  
 ۲۰۵ فاصله نظم خیابان درو  
 آمده از خلد بساطی بسیط  
 شکل خیابان زمین ویسار  
 جوی زهر سوسو شده زنجیره اش  
 دیده ادراک شده خیره اش

سایه فکن برگل نازک عذار  
 دست بهم داده بفرخندگی  
 یافته کیفیت دیگر از آن  
 چون صف توحیدسرایان بحال  
 تا بسرحوض خیابان کشان  
 آمده از قبله بحدّ شمال  
 کرده بعرضش خط دیگر دو نیم  
 از حد مغرب سوی مشرق کشان  
 گشته یکی سطح مربع پدید  
 سایه بهر کنج وی انداخته

پهلوی هم عمر و بید و چنار  
 ۲۱۰ هم قد و هم سال بزیندگی  
 تا که بر آورده سراندر میان  
 در حرکت جمله ز باد شمال  
 از در این ررضه جنة نشان  
 راست رهی از پی کسب کمال  
 ۲۱۵ تا بسرحوض خطی مستقیم  
 گشته خیابان دگوزان عیان  
 در وسط باغ بوضعی سعید  
 قائمه تاک سر افراخته

### صفت ارشی خانه و حوض میان آن که در چهار سوی وسط باغ واقعست

خانه زینده شاهانه  
 همچو بزرگی که بود بر سر  
 جانب این خانه نماید گذر  
 مرکز این خانه شاهانه است  
 حوض چو کوثر که بود در بهشت  
 عکس نما در دل شفاف حوض  
 روی نما مهرومه از بام وی

در وسط آن ارشی خانه  
 ۲۲۰ بر زبر صفه خاطر پذیر  
 آب که از حوض نهد رو بدر  
 حوض مربع که درین خانه است  
 خانه بهشتیست همایون سرشت  
 چهار ستون نصب بر اطراف حوض  
 ۲۲۵ نورفشان بام ز گلجام وی

مهر کند جا چو نصف النهار  
 عکس برآب افکند از نازکی  
 آن ز توایر بهشتش دلیل  
 از ده و دو پنجره اش روشنی  
 ۲۴۰ بر سر هر پنجره جامی چو مهر  
 سقف و کنارش همه پرتفش و زیب  
 دیده ازاره ز رقم بند روم  
 برکش از آسیب خزان در امان  
 لاله و نیلوفر و گل بی شمار  
 ۲۴۵ جانور وحشی او انس جوی  
 شیر شکوهنده او بی ضرر  
 رنگ و پلنگ از ره همخانگی  
 باز و بطش گشته معانق بهم  
 آب ازین خانه چو آید بدر  
 ۲۴۰ بادوزبان مدح کند شاه را  
 تا بدر باغ خرامان شود  
 تازه شود جان خیابان از ان  
 هست خیابان بلطافت سحر  
 عاشقی از وصل شده فیض بین  
 ۲۴۵ رفته درختان زد و سو بر هوا

جام فرو زنده شود فیض بار  
 آب کشد در برش از چا پکی  
 وین بگوارندگی سلسبیل  
 برده و دو برج فلک مبتنی  
 سرخوش از ان جام شده نه سپهر  
 حوض ز عکسش شده مانی فریب  
 آمده اندر خور هم برگ و بوم  
 بوم وی ایمن ز حدوث زمان  
 طرفه جهان نیست همیشه بهار  
 آهو تازنده او مشکبوی  
 کرده در و عدل شهنشه اثر  
 بسته در وحشت و بیگانگی  
 اثر در و سیمرخ موافق بهم  
 بهر خیابان دوشود در گذر  
 فیض دهد خاطر آگاه را  
 انجمن آرای خیابان شود  
 کان دهدش رنگ بهار خزان  
 هیأت مجموعی او در نظر  
 چاک گریباننش بدامن قرین  
 دیده عنادل زد و جانب نوا

عرعر و بید و گل و شمشاد و سرو  
 آن همه در باغ در افکنده جوش  
 جدول پر آب روان از دوسوی  
 پنجرهای نیش از هر مکان  
 ۲۵۰ هر که در آن عرصه زنگار فام  
 چون بمیان جای خیابان رسید  
 کرد تماشا ارشی خانه را  
 روی از آنجا سوی ایوان نهاد  
 صّفه شاهانه پدیدار شد  
 ۲۵۵ آب روان دید که از آبشار  
 آب از آن صّفه بصد حسن و زینب  
 موج نما آب وی از آبشار  
 آب خرامنده بچابک روی  
 چار چنارش بفلک جسته راه

قمری و در آج و هزار و تذرو  
 وین همه در عرش فکنده خروش  
 چون برخ از دیده عاشق دوجوی  
 چون زدو سو صف کمر بستگان  
 کرد بگلگشت خیابان خرام  
 خضر بسر چشمه حیوان رسید  
 داد تسلی دل دیوانه را  
 چشم بر آن قبله احسان نهاد  
 جان و دل از عیش خبردار شد  
 کرده درو سیر وسط اختیار  
 رفته زمعراج خرامان بشیب  
 سینه دلبر شده چپ راست دار  
 از وسط چار چنار قوی  
 چار ملک گشته دعاگوی شاه

### صفت سرحوض و ایوان

۲۶۰ هر که بران صّفه زد از شوق گام  
 رفت بر ایوان و بر افراخت سر  
 بر شده ایوان شهنشاهیش  
 صّفه شاهانه چو دریا دلی

کرد زمعراج بگردون خرام  
 حوض مرتّب بنظر جلوه گر  
 عمر طلب خضر بهمراهیش  
 از دل وی حل شد هر مشکلی

چون دو سهی تَدّ دوهمایون چنار  
 بر ذلک انداخته گوی می کند  
 سایه بر اطراف وی انداخته  
 سایه فکن بر سر ظلّ آله  
 چشم جهان این یک، و آن ابرویش  
 گشته دو ایوان دگر آشکار  
 ساخته ایوان دگر بر شمال  
 روی بحوض آورد از هر دو سوی  
 بسته ز تعظیم بخدمت کمر  
 یافته با قرص کمر اتصال  
 ریخته از لطف بحوضی دگر  
 آئینه صاف مرتب شده  
 دیده در آن آئینه رخسار خویش  
 صوف مریح ببر حوض آب  
 شاخچه اصل خطایی نمود  
 آن ز صفا چشم شد این مردک  
 از ته دل داده سفایش نشان  
 راز دلم حرف بحرف آشکار  
 هر چمن آرا بدلی فیض بخش  
 غیر مکرر چمنی ساخته

خاسته بردامش از هر کنار  
 ۲۶۵ پهلوی هر یک شده تا کی بلند  
 قائمه تاک سر افراخته  
 آمده ایوان ممالک پناه  
 شاه و خم طاق بسر هوسویش  
 پهلوی ایوان زیمین و بیسار  
 ۲۷۰ بر سر آن منظر فرخنده فال  
 از چپ و از راست درآید دو جوی  
 از دو طرف جوی بهم آورده سر  
 حوض مثنی شده پرزان زلال  
 آب از آن حوض بر آورده سر  
 ۲۷۵ حوض مریح چو لبالب شده  
 پای نهاده ملک از عمرش بیش  
 آب ز موج آمده پر پیچ و تاب  
 موج و حبابی که صفایش فرود  
 ریگ میان زیر حبابش ز تک  
 ۲۸۰ ریزه ریگ از تک حوضش میان  
 چون بر شنه زین سخن آبدار  
 باغ پرگار شده بخش بخش  
 طرح دگر هر طرف انداخته

هر طرف باغ هنر پیشه '      سحروری نادره اندیشه  
 ۲۸۵ گشته عرق بند بطرز دگر      جوی دگر بسته و مرز دگر  
 باغ بترتیب شده قسم قسم      وصف کنم قسم بقسمش با اسم

## صفت باغ امام علیه السلام بسرکاری شاه قلی خلیفه مهرداد

قسمی ازین جمله بلطف تمام      نذر امام است علیه السلام  
 هادی احرار و امام مبین      خاک درش سومه عین الیقین  
 شاه خراسان و سر ابقیا      قدوه ابرار علی رضا  
 ۲۹۰ گشته سب افراز بسرکاریش      نام بر آورده بمعماریش  
 میر صف آرای خلافت پناه      بر شده نامش بغلامی شاه  
 گشته چو داده فلکش اقدار      بهر سلیمان زمان مهرداد  
 مهر حمایل زده و ساخته      مهر بجوزا علم افراخته  
 باغ بدین خوبی و زیندگی      خنده گلهاش بفرخندگی  
 ۲۹۵ در وسط آن چمنی هشت سو      برده بلطف از چمن خلدگوی  
 هشت بهشتست بزیب تمام      آمده منسوب بهشتم امام  
 هر طرفش آلوگیلاس و سیب      سر بفلک برده بائین وزیب  
 لوزی و حلوی نیش از هر طرف      مشتری و زهره بیرج شرف  
 فی غلطم کز دل و جان برده رنگ      جلوه کنان برشجر سبزرنگ  
 ۳۰۰ گل گل مهست ز تابنده جام      تافته بر منظر زنگار فام

تافته آلوچه رخ از آفتاب  
 برده درختان همه سرها باوج  
 از دو طرف مدّ نظر گلستان  
 مشعل صدبرگ فروزان زخار  
 ۳۰۵ رقص نسیم آفت عقل سلیم  
 نسترن و گل بهوای بهار  
 خنده زنان با گل و شمشاد و بید  
 سوسن آزاد صف آرا باغ  
 چون ملک از سبزه ترخاسته  
 ۳۱۰ زنبق جان بخش ز فیض بهار  
 نرگس و خیری همه دیده نوا  
 گشته بنفشه بطرب جنوه گر  
 بوی قرنفل بصبا هم عنان

در دهن خلق از آن گشته آب  
 چون سپه دین پی هم فوج فوج  
 روح فزا همچو رخ دلستان  
 روشن از آن چشم هزاران هزار  
 خنده گل بر حرکات نسیم  
 سرخ و سفید آمده چون رویار  
 یاسمن زرد و کبود و سفید  
 باقد چون شمع و رخ چون چراغ  
 بال و پیرسبز بر آراسته  
 نافه گشا آمده و مشکبار  
 مشعل سیم و زرشان بر هوا  
 نقطه شینش زسه لب که بسر  
 برده بچین نسخه هندوستان

### صفت باغ میر علی کسکنی

پهلوی این روضه جنت نظام  
 ۳۱۵ قطعه دیگر چو بهشت برین  
 یافته ز چشم فلک روشنی  
 طرح میانش دو مثنی چمن  
 دور وی امرود بر آورده سر  
 کامده مشهور بیباغ امام  
 خوانده بر آن قطعه بهشت آفرین  
 زیب دهش میر علی کسکنی  
 چون دو بهشت از گل و از یاسمن  
 از چمن چرخ برون کرده سر



بسته دو صد شقه سفید و سفید  
 این خرد آرا شده آن جان فروز  
 کاین اثر معجزه ماند از خلیل  
 وین یک از انیون بخیالات خام

ز بنق و سوسن بهایون دیش  
 ۳۲۰ همدم ریحان شده بستان فروز  
 باده و انیون بسر اندر بهار  
 آن شده بیخود رمی لعل فام

### صفت باغ که تالار در میان دارد

قطعه دیگر بهزاران جمال  
 برده درختانش بگردون علم  
 وه که نه تالار ارم خانه  
 باده و دو برج سپهر بلند  
 مشاد بجمعیّت خوبان چمن  
 چون ز ثریا فلک شیشه فام  
 یاسمن و گل شده باهم قرین

آن طرف باغ امام از شمال  
 چار خنیابان متقاطع بهم  
 ۳۲۵ ساخته تالار ملوکانه  
 هر طرفش از سه چنار از چمن  
 سرو و سمن خوب و گل دیا سمن  
 شاخ شکفته ز سمن شاد کام  
 خطمی و نیلوفر او هم نشین

### صفت باغ مراد بیگ

قطعه دیگر چو بهشت نعیم  
 منصب سرکاری آن از مراد  
 کازچه مراد دست از و حاصل است  
 مطرح نور و نظرش سال و ماه  
 از همه گلهاش فلک داده بخش

۳۳۰ پهلوی این روضه جنت نسیم  
 بوده با مر شه بادین و داد  
 طبع با و به ز همه مایل است  
 جلوه گهش پهلوی ایوان شاه  
 شاه نشینش چمنی هشت بخش

۳۳۵ چار طرف چار مریج چمن  
 داده نشان نرگس از آثار صنع  
 هر طرفش بید و گل و یاسمن  
 زنگس او دیده در آب زلال  
 خامه او کاتب اسرار صنع  
 زنبق او روح فزای دماغ  
 سوسن او آمده رطب اللسان  
 ۳۳۶ وصف بنفشه ز بیانها برون  
 روی برو رنگ برنگ ارفوان  
 این بنظر سرخ چور خسار یار  
 عاشق و معشوق بهم داده دست  
 طبع زهر میوه که پرسد خبر  
 ۳۳۷ رفته زبس نطف بحسب مراد  
 گلشن او چون شفق خاوری  
 مرغ طبیعت پی تحصیل قوت  
 حاشیه با سیب سپاهانش وصل  
 شد چمن آراش سکندر لقب  
 ۳۳۸ در نظر خسرو دارا غلام  
 کرده چمن را چون غلامان قیام  
 چشم سیه کرده بانجیر و توت  
 از دو طرف حد بخیابان اصل  
 رفته بهترگان خس او روز و شب  
 کرده سکندر چو غلامان قیام

## صفت باغ حسن بیگ یوزباشی

در جهت قبلی باغ امام  
 چون صنمی نورس نازک بدن  
 باغ دگوفیرت دار السلام  
 انبته الله بناتا حسن

کامده مأمور بسرکاریش  
 تاج سر کارشاسان حسن  
 بوده مدورچمنش در میان  
 هاله میان گشته بر اطراف بدر  
 سایه بصرن چمن انذاخته  
 برده دل از دست بهر شیوه  
 آلو و شفتالوی خاطر فریب  
 از فلک و صبح کبود و سفید  
 یافته از نرگس او دیده نور  
 خیره شد از خیری او چشم مهر

روح مسیحا بهوا داریش  
 خاک در حضرت شاه زمن  
 ۳۵۵ روضه از خلد برینش نشان  
 جوی بر اطراف وی افزوده قدر  
 بید بدورش علم افراخته  
 بهره پذیرفته زهر میوه  
 لوزی و آلوچه و گیلاس و سیب  
 ۳۶۰ یاسمنش هر طرف آرد نوید  
 داده گلش گلشن جانرا سرور  
 سوسن او برده علم بر سپهر

### صفت باغ عبد الله خان

شهره بنزهتگه عبد اللهی  
 دست و دلش قلم و البرزکوه  
 یافته دل هرچه از خواسته  
 دورچمن رنگ برنگ ارشوان  
 داده فلک صبح و شفق را قرار  
 از شجر الاخضر نارش نشان  
 داده بان روضه زیننده زیب  
 درد شبه بر سرهم ریخته

آن طرفش روضه شاهنشهی  
 خان شریف النسب با شکوه  
 ۳۶۵ تازه بهشتی ز زمین خاسته  
 انجمن آراچمنی در میان  
 از گل نسرین و درخت انار  
 نخل انار از دو طرف سرکشان  
 قیسی و آلوچه و امرود و سیب  
 ۳۷۰ نرگس و ریحان بهم آمیخته

جام عقیقت درو مشکناپ  
تیغ علم کرده و سر باخته

لاله گلچهره مشکین نقاب  
سوسن آزاد سر افراخته

## صفت باغ بدرخان

روضه دیکر چو بهشت برین  
رشک فلک غیرت باغ جنان  
بدر فروزنده تر از آفتاب  
سایه فکن گشته بران نارون  
از همه نوعی که شمردن توان  
در وسط آن سه چنار اچند  
دردل گردون ز فروغش اثر

پهلوی این روضه عشرت توین  
گشته بسرکاری خان زمان  
۳۷۵ خان فلک رخس هلالی رکاب  
در وسط باغ مربع چمن  
نخله امرود فراوان دران  
باز مدور چمنی دلپسند  
گرد بگردش زده گیلاس سر

## صفت باغ قوچی باشی و تالاری که بسرکاری سعدا مسعوداً اتمام یافته

باغ دگر داده زجنت نشان  
بسته کمر از پی سرکاریش  
فیض رساننده بنزدیک و دور  
ساخته تالار عظیم النظیر  
داده بسعدین سپهرش توان  
گلشنی از هر طرفش پر زحال

۳۸۰ پهلوی تربتکه این هردوخان  
چرخ دخانی بهوا داریش  
افسر ملک و سر اصحاب قور  
در وسط آن چمنی دلپذیر  
اختر سعدی شده سرکار آن  
۳۸۵ حوضچه مد نظر پر زلال

سایه بران کرده درخت چنار  
 داده ز الوان فواکه نوید  
 از دو طرف یاسمن و ارغوان  
 سوسن آن تیغ برافراخته  
 ۳۹. زنبق و سوسن بقلم رو علم  
 گل بطرافت زده آتش بخار  
 قیسی و آنوچه و توت سفید  
 زرد و کبود این فلک آن اختران  
 برگ بنفشه سپر انداخته  
 زکس بینا هم از اهل قلم

### صفت باغ میر شمس الدین علی

پهلوی این باغ نقابت پناه  
 مرکز آن هم چمنی چارسوی  
 سر زده بر چرخ دخت چنار  
 آن طرفش طرفش <sup>سبب</sup> این سوی  
 ۳۹۵ یاسمن رنگ برنگش ز دور  
 خاسته خطمی خطایی با بر  
 شمس فلک شوکت خورشید جا  
 یاسمنش برده با قطار بوی  
 در دل خورشید از آن خار خار  
 دیده ز امرود و زگیلاس زیب  
 ریخته بر روضه افلاک نور  
 از دل بیننده بر افتاده صبر

### صفت باغ انگورستان

از طرف شرقی این بوستان  
 خاسته اصحاب زجنب نخیل  
 فخری او فخرکنان بر نبات  
 ۴۰ صاحبیش برده ز دلها قرار  
 کشمش او آمده با آب و تاب  
 باغ زرستان ز پی دوستان  
 جنت عدست و بس است این دلیل  
 بوده طبر زرده از آب حیات  
 از دل صاحب نظران برده بار  
 شیشه پر شربت قند و گلاب

نیشکر از خرمن او خوشه چین	خوشه او لایق صد آفرین
چون سرانگشت بتان در خضاب	طبع زملاهی او ذوق یاب
از همه شیرین تر و پاکیزه تر	احمدیش نازک و شیرین و تر
مردمک چشم جهان بین تاک	۴۰۵ تخم ته ودانه اش از عیب پاک
وه که درین آب چگوید کسی	بوده زهر قسم که پرسی بسی
حب نباتت بشاخ نبات	خوشه پرودانه صافی صفات

### صفت باغ حاجی آقا

برده سراز فخر بچرخ بلند	قطعه دیگر پس ازین دلپسند
گشته بسرکاری آن نامدار	روضه از خلد برین کرده عار
شهره بجای اتابک نژاد	۴۱۰ چاکر شاهنشاه باین وداد
یا فته هر لحظه هزار آفرین	قطعه از روضه خلد برین
غیرت ترهنگه خیر المآب	از چمنش باغ فلک خورده آب
میوه او ذایقه را کرده شاد	از گل او شامه دیده مراد

### صفت گلزار مشهور بیابغ غریب

قطعه گلزار چو باغ خیال	پهلوی این روضه جنت مثال
طایر قدسی شده اش عندلیب	۴۱۵ قطعه زیننده بطرح غریب
چشم فلک خیره بحیرت درو	خلد برین مانده بغیرت درو
بهرگشایش شده بازار گرد	گل شده در موسم نوروز فرد

یک طبق از لعل بر انگیخته  
 صبحد مان لطف هوا بین که چون  
 مشت زری در ته آن ریخته  
 گل بته پیرهن آمد برون

## صفت باغ فرخزاد بیگ

۴۲. قطعۀ دیگر پس از آن دلفریب  
 غیرت تربتگه دارالسلام  
 گشته محاذی دو چمن روبروی  
 نخله بادام شکفته عذار  
 فصل بهار از گل سرخ و سفید  
 ۴۲۵ سوسن و خیری ز زمین خاسته  
 از گل و از میوه پذیرفته زیب  
 فر وی از فرخ فرخنده نام  
 خاسته انواع نخیل از دوسوی  
 گشته بشتالو و آنچه یار  
 داده ز رخسار جوانان نوید  
 غلغله از خلد برین خاسته

## صفت باغ خواجه قطب الدین جامی

پهلوی این روضه دارالسلام  
 خواجه داننده مشکل پسند  
 کرده مثنی چمنی در میان  
 در وسطش نسترنی بی نظیر  
 روضه آراسته از قطب جام  
 در همه جا دخل کن و نخل بند  
 دور چمن یا سمن و ارفوان  
 کرده اثر در دل چوخ اشیر

## صفت قطعات جانب مغرب باغ بتفصیل و عمارات آن

۴۳. گشت چو کلکم بمعانی خاص  
 از طرف جانب مشرق خلاص

داد دل از خامه کاتب دهم  
 از دل چون بحر و بیانی چو در  
 گوش کن اکنون سختم فصل فصل  
 حاشیه آرا بهمان طرز طور  
 آمده از جانب مغرب فرود  
 روی نیارد که نهد سوی حوض  
 راست چو قلزم بیرست شاه  
 جانب باغ آرد و بستان گذر

روی کنون جانب مغرب نهم  
 مشرق و مغرب کم از وصف پر  
 از طرف مغرب ایوان اصل  
 باز بدستور خیابان دور  
 ۴۳۵ تا بسر حوض بزرگ آب رود  
 تعبیه بین کاب ز پهلوی حوض  
 در رود از شرم همان جایگاه  
 از ته آن حوض کند سر بدر

### صفت باغ بهرام میرزا و خانه شروانی

کز طرف غرب بر آرد علم  
 کامده چون خلد برین نامی است  
 آورد اندر دل داننده یاد  
 حضرت بهرام بهشت آشیان  
 دیده کند باز با اولاد او  
 شاه فلک مرتبه پاینده باد  
 آمده جویی پر آب زلال  
 بلکه نه دل ساخته در جانش جای  
 خانه شروانیش اندر میان  
 در دل او حوض پر آب زلال

قسم نخستین ز ریاض ارم  
 ۴۴ گلشن زینبده بهرامی است  
 چون نگرد خسرو بادین و داد  
 خدمت شهزاده جنت مکان  
 در نظر آب آورد از یاد او  
 رفت اگر آن گل رنگین بیاد  
 ۴۴۵ رو بسوی قبله ز صوب شمال  
 در دل خود داده خیابانش جای  
 صفت شاهانه در اقصای آن  
 خانه مگو پاک ضمیری بحال



خانه شاهانه گردون فضا  
 ۴۵۰ سقف وی از نقش چو صحن خیال  
 آن چو نگاریست بر شون دلی  
 آن چو صم خانه بصورتگری  
 آن بنواروضه خلد برین  
 آن چو سپهری ز زرو لاجورد  
 ۴۵۵ آن دهد از عالم بالانسان  
 نقش بهفت اصل درو فصل فصل  
 رونق اسلامی اسلامیان  
 جام مرصع ز نقوش و صور  
 شیشه صافش بفرزندگی  
 ۴۶۰ هر طرفش پنجره دلپذیر  
 چار طرف باغ چو خلد برین  
 یاسمن زرد و سفید و کبود  
 گل بپرازندگی از جمله فرد  
 گل زده دف مرغ شده نقش خوان

صفت صفة و ایوان غربی و حوض و  
 تالار و دکان و باغ سر حوض  
 ۴۶۵ پهلوی این روضه مینوشت  
 کامده از فیض چو باغ بهشت

در فلکش یا مه و مهر اجتماع  
 داده بمردم زد و عالم نشان  
 غیرت این گنبد نیلی رواق  
 بر دگری شکل طیور و وحوش  
 داده بترتیب ز تذهیب یاد  
 هر طرفش طرفه سواری بزینب  
 غارت جان کرده به نینزه زمشیر  
 چون مژه و ابروی صیاد یار  
 چون من مسکین و سپهر دوزخ  
 عاشقی از چشم بتی گشته مست  
 تیغ بر آورده بجدی آفتاب  
 چون دل دیوانه بجشمان یار  
 صورت مهد آمده پیش نظر  
 مهد امان ساخته در روزگار  
 آمده چون وحی فروز آسمان  
 سینه پرفیض و دل اهل حال  
 برده ز دل صبر و ز خاطر سکون  
 شمع بفانوس درون سرفراز  
 جمله چو پروانه بر اطراف شمع  
 شیشه ساعت شده زان آشکار

بر شده ایوان سپهر ارتفاع  
 بر سر هم کرده دو ایوان مکان  
 گشته ز کاشی گری پیش طاق  
 بر یکی از اصل خطایی نقوش  
 ۴۷۰ از گل و نیلوفر این طبع شاد  
 وان دگری صید که دلفریب  
 تاخته بر شیر سواری دلیر  
 گشته کما نکش دگری در شکار  
 دیگری اندر زد و خور با پلنگ  
 ۴۷۵ دیگری آورده غزالی بدست  
 دیگری آورده بر نکی شتاب  
 تازی تازنده با هود و چار  
 طاق بر افراخته بر صفت سر  
 نایب مهدی شه عالم مدار  
 ۴۸۰ فیض بر آن صفت عالی مکان  
 صفت درو حوض پر آب زلال  
 بر شده تالار بحوض اندرون  
 رفته بتالار بتان طراز  
 قاز و بط و قو بر تالار جمع  
 ۴۸۵ در دل تالار هوا فیض بار

ساخته دکان عظیم المثال  
 تا بتوان زد سوی تالار گام  
 همچو برو سینه جسر است  
 چون بدر شاه صف سرکشان  
 از دو طرف تکه زری قطار  
 روح فزا خانه شاهانه ایست  
 کامده لایق بهزاران شا  
 زان دو همه کار جهان را نوی  
 گشته دو طاقش چو دو بری یار  
 کامده چون گنبد گردن بلند  
 کرده زهر وادی استاد می  
 کامده از لطف ارم خانه  
 طاق فلک برد را و ره نشین  
 کرده بهر خانه زیننده کار  
 رشک خطا کرده صنم خانه را  
 لیک نه چون مردم عالم دورو  
 زانکه نشان داده بعاشق زیار  
 از پی پرواز بر آورده بال  
 آمده در خورد هزار آفرین  
 داده ز معشوق و ز عاشق نشان

برب آن حوض ز سوی شمال  
 بسته یکی جسر بزیب تمام  
 آب برو جسر شده استوار  
 از دو طرف صف محجر کشان  
 ۴۹۰ گشته بر اطراف گریبان یار  
 آن نه دکانست پریخانه است  
 هوسوی ایوان همایون بنا  
 ساخته دو گنبدی خسروی  
 هر یک از آنرا پس طاقی قرار  
 ۴۹۵ بر سر هر گنبدی دلپسند  
 اهل هنر ساخته بغدادی  
 درخور هر خانه شاهانه  
 ساخته ایوان شهنشه نشین  
 خامه نقاش بدایع نگار  
 ۵۰۰ کرده صنم خانه ارم خانه را  
 دیده صفت صورت مردم درو  
 شکل پری برده ز دلها قرار  
 هر طرفش طایر فرخنده فال  
 صورتش از کلک نگار آفرین  
 ۵۰۵ شکل درختش ز بهار و خزان

هر طرفش پنجره فیض بار  
 آن زگره بندی رومیش ساز  
 آن دهد از شکل معین خبر  
 شکل مخمس بنظر بیت نخل  
 ۵۱. گشته معین ملک بی شمار  
 خوانده زقرآن حقایق بیان  
 اژده داننده بمعماریش  
 میرجهاندره صاحب نظر  
 پهلوی این صفا عالی مکان  
 ۵۱۵ باغ نه فرخنده بهشتی بزیب  
 دردهن آب آمده از آلویش  
 گشته بهرگوشه عیان سرخسید  
 بید موله ز پی ارغوان  
 عرصه باغش زگل بی شمار  
 ۵۲. سرخ و سفید ازگل وازنستون  
 شکل بنفشه بهمیشه بهار  
 زبنق و سوسن علم افزاخته

هر یکی از طرح دگر استوار  
 وین زمریج شده خاطر نواز  
 وین دگر از شکل مخمس سمر  
 ساخته بر وی زدو جانب دو رحل  
 در پس هر رحلی از ان طفل وار  
 سوره فتح از پی شاه جهان  
 بر زده دامن پی سرکاریش  
 بوده زهر دانشی اورا خبر  
 باغ دلارا بشمال دکان  
 میوه اش آلوچه وامرود و سیب  
 رفته دل از دست بشتالویش  
 قوس و قزح گشته بر اوج امید  
 عاشق شوریده پی جان دوان  
 گشته چو کیمخای بنقش و نگار  
 سبز و کبود از چمن و یاسمن  
 زرد و بنفش آمده بر روی کار  
 لاله و ریحانش بهم ساخته

## صفت باغ سیدبگ

جانب قبلی چمنی دلپسند  
 ساخته اش سید مشکل پسند

میرنقیب النقبای زمان  
 هم بامارت علمش سر بلند  
 مرتبه اش اشرف واعلی شده  
 پر گل و بید و سمن و یاسمن  
 روشن از آن گشته چراغ امید  
 آمده با شیر فلک پنجه زن  
 دیده عقل آمده حیران درو

حضرت سید بگ مالیکان  
 ۵۲۵ هم بسیادت نسبش ارجمند  
 مهر شهبش مرتبه افزاشده  
 در وسطش گشته مرغ چمن  
 داده گلش رونق باغ امید  
 گربه بیدش ز همایون چمن  
 ۵۳ میوه الوان فراوان درو

### صفت باغ شاه نعمت الله

باغ دگر غیرت باغ نعیم  
 سید ذی الشان ولایت پناه  
 هم بنسب مرتضوی انتساب  
 نعمت باقیش ز لطف آله  
 در وسط آن چمنی هشت سوی  
 میوه فراوان زمین و یسار  
 شیشه امرود لبالب گلاب  
 شام و شفق گشته بهم آشکار  
 دور وی اشجار گل و یاسمن  
 باعث انواع سرور و نشاط  
 سایه برو کرده چنار بلند

پهلوی آن باغ بهشتی نسیم  
 یافته سرکاریش از امر شاه  
 هم بحسب سرور قدسی خطاب  
 شاه لقب یافته از لطف شاه  
 ۵۳۵ باغی ازو دیده بهشت آب روی  
 هر طرفش عمر و بید و چنار  
 دیده بادام شده مست خواب  
 آلودی و سیبش پی هم در قطار  
 یک طرفش باز مدور چمن  
 ۵۴ یک طرفش باز مثنی بساط  
 حوض بزرگ از طرفی دلپسند

گشته بنفشه زد و سومشکبار چون زد و جانب خط دلجویار

### صفت باغ قاضی ضیاء الدین

برده چمنهاش ز گرد و دوشش	باغ دگر پهلوی این خلدوش
رونقی آنسان که مس از کیمیا	دیده ز سرکاری قاضی ضیا
دست بهم بید و گل و یاسمن	۵۴۵ داده بر اطراف مثنی چمن
یافته پیوند بلور و عمیق	با گل سرخ آمده نسرين فوق
در صف گلزار درفش بنفش	سوسن آن همچو همایون درفش
غالیه بو آمده و مشکبار	زنبق او نامه دلجوی یار
ذوق کنان طبع ز زرد آلودیش	شیفته ادراک ز شفتالویش
پختگیش موجب افتادگیست	۵۵۰ خامی سیبش اگر از سا دگیست

### صفت باغ قاجار

روضه دیگر بهزاران صفا	پهلوی آن باغ بهشتی ضیا
دایره گردش ز گل و یاسمن	مرکز آن روضه مدور چمن
سدره و طوبی ز چنارش خجل	عرعر و بیدش بفلک متصل
چشم فلک سرخ و سیه ساخته	آلو و گیللاس سرافراخته
پسته و آلوچه و امرود و سیب	۵۵۵ فندق و بادام و به دلفریب
بامزه چون بوسه ز غیب قرا	آمده شفتالوی او دلریا
هست درین روضه جنت مثال	هر گل و هر میوه که بندی خیال

## صفت چمن قاسم بیگ

پهلوی این جنت دیگر وسیع  
 کرده مثنی چمنی دلپسند  
 ۵۶. گشته بر اطراف مثنی دوجوی  
 یافته ابداع بطبع بدیع  
 بید و چنارش بفلک سر بلند  
 هشت بهشت آمده زوفیض جوی  
 پایه رسانده زسمک تا سماک  
 سرزده تا لاروی از برج خاک  
 چون ذقن و عارض عاشق قریب  
 پهلوی شفتالور عناش سیب  
 فیض رساننده بهر نامراد  
 داده ز امروز بد لها مراد  
 گشته ز سرکاری آن نامیاب  
 کار شناسنده قاسم خطاب

## صفت باغ سید میرزا

پهلوی آن باغچه نامدار  
 ۵۶۵ سید پاکیزه نسب میرزا  
 دیده ز سرکاری آن اشتهار  
 در وسط آن چمنی خرگهی  
 سرور ارباب وفاق وفا  
 هر طرفش هشت بهشتی وسیع  
 لایق عشرتگه شاهنشهی  
 آمده اقسام فواکه بیار  
 خاسته هر گوشه درختی رفیع  
 ۵۷۰ سیب وی از حسن چو تابان سهیل  
 چون ذقن یار بسرخیش میل  
 چون رخ عاشق به او زرد رنگ  
 داشته سردر ره خوبان شنگ  
 آلودی او در دهن آورد آب  
 خاسته شفتالو او آفتاب  
 از گل سرخش دل عشاق زار  
 یافته صد برگ و نوا زو هزار  
 خنده ز نان گلبن صد برگ زرد  
 زوست شگفته دل ارباب درد

## صفت باغ کنج قاضی ضیاء الدین

۵۷۵ گویم ازین پس صفت باغ کنج ز آنچه توان درسخش داد کنج  
 کرده بسرکاری آن اهتمام پیر غلام شه عالی مقام  
 قاضی نورانی صاحب صفا یافته زو دین محمد ضیا  
 ساخته دروی چمنی چاربخش دیده ز انهار و ز ازهار بخش  
 هرکه بران روضه نموده خرام یافته از هر گل و هر میوه کام

چون این باغ حسب فرمان نواب کامیاب  
 بنواب علیا حضرت ناموس العالمی تعلق گرفته  
 واجب دید بیان این معنی نمودن و دست بدعای  
 عمر و دولت نواب مستطاب مشارالیهما بدین  
 تقریب گشودن

۵۸۰ باغ بدین خوبی و زیندگی کز صفتش یافته ام زندگی  
 یافته زینسان بخصص اقسام قسمی از آنست بنام امام  
 باقی اقسام بفرمان شاه خاصه نواب سلاطین پناه  
 زهره زهرای سپهر کمال بانوی عظمی جهان جلال  
 مریم عیسی دم بلقیس شان فاطمه عصر و پناه جهان  
 ۵۸۵ همشرف اختر بیضای شاه هم صدف گوهر والای شاه  
 اختر تابنده او موسوی مهد فلک رتبه او مهدوی  
 شمع فروزنده فانوس ملک خیمه او پرده ناموس ملک



حورٌ مقصورات فی الخیام  
 آمده سجّاده روح الامین  
 بر شده نامش بمهین بانوی  
 غیر ملک در حرم حرمتش  
 یافته در بارگه قدس بار  
 دست دعایش در گردون گشای  
 یافته در دست همه مدعا  
 گشته بمعراج اجابت دلیل  
 رحل تلاوت شده بهر ملک  
 غیر ملک نشنود آواز او  
 در حرم ایزدیش محرمی  
 در همه نیات دلش صادق است  
 خواند بدین گونه که جبریل خواند  
 اوست سپاهش برفیق دعا  
 بسته در فتنه آخر زمان  
 باد دعایش با اجابت قرین  
 سایه شاه از سراو کم مباد  
 عمر طبیعی دهدش کردگار  
 کاروی از غیب خدا ساز باد  
 حامی او مرحمت فاطمی

او و سرا پردگیانش تمام  
 دامن پاکیزه آن پاک دین  
 ۵۹۰ با ملکش رتبه همزانوی  
 راه نیابد کسی از عصمتش  
 پیشه او طاعت پروردگار  
 روز و شبش در حرم قدس جای  
 پنجه گشا گشته چو بهر دعا  
 ۵۹۵ پنجه او همچو پر جبرئیل  
 هر دو کف دست وی اندر فلک  
 گاه تلاوت بخدا راز او  
 گاه دعا با ملکش همدمی  
 در همه خیرات کفش سابق است  
 ۶۰۰ در که بآین تلاوت نشانند  
 شاه بهر جا که گشاید لوا  
 او بدعاهای اجابت قران  
 حافظ او باد جهان آفرین  
 بردل پاکش غم عالم مباد  
 ۶۰۵ در کنف سایه پروردگار  
 دیده دولت برخش باز باد  
 باد شفیعیش بنی هاشمی

باد بطل شه صاحب‌قران      بهر ور از دولت صاحب‌زمان

## خاتمه مشتمله بر دعای دولت شاه دین پناه

چون در دولت بر خم باز شد  
۶۱۰ باغ دلم رونق جاوید یافت  
یعنی از آنجا که فلک یار شد  
امر شه از موقف فرمان صد  
کز صفت باغ و عمارات شاه  
آنچه تواند به بیان آورد  
۶۱۵ چاکر دیرینه فرمان پذیر  
بلبل این گلشن خضرا شود  
تازه کند رسم سخن سازی  
امر شهنشاه ملایک سپاه  
شد سحری چند بکام نیاز  
۶۲۰ یافت روح قدس آگاهی  
از قصب خامه برون ریخت قد  
عرض نمودش بشه دین پناه  
برد بلطفش به بیاض از سواد  
هر که نشان جست ز تاریخ آن  
۶۲۵ یک دوسه سال ارچه ز نظم دری

بلبل اقبال نوا ساز شد  
آب ز سرچشمه امید یافت  
کوکب اقبال نمودار شد  
یافت چنان کز نفس صبح نور  
بنده درگاه شه دین پناه  
راز خود از دل بزبان آورد  
مرغ سحرخیز همایون صفر  
سوسن این طامم علیا شود  
ساز کند زمزمه پرداز می  
باعث آن گشت که این خاک راه  
مرحله پیمای بیابان راز  
داد برون سحر سحر گاهی  
شد بسر انگشت هنر نخل بند  
چون که مشرف شد از اصلاح شاه  
راه ز ظلمت سوی نورش کشاد  
داد بگلزار بهشتش نشان  
بود دل نادره سنجم بری

خاطر ازین داعیه پرداخته  
 بخت مرا داده درین روزه راه  
 غوطه بدریای معانی زدم  
 وین در منظوم کشیدم بسک  
 شهره شد از غایت خوبی شهر  
 ورد زبان همه صاحب دلان  
 در نظر خلق چنین عظم یافت  
 من که و این رتبه کجا تا کجا  
 کز دل من کرد معانی ظهور  
 زادنش از خاطر انور بود  
 فرخی این زاده فرخنده راست  
 یافت بر شد از دگران امتیاز  
 غلغله در طام اعلیٰ فکند  
 کز نظر مرحمت دین پناه  
 فیض رسانند بنزدیک و دور  
 وقت دعا میگردد ختم کن  
 معنی از طبع نهفته نماید  
 باغ سخن میوه مقصود داد  
 گوی دعای شه عالم پناه  
 وی چمن آرای بهشت نعیم

از سرمشقم فلک انداخته  
 لیک چو شد امر شه دین پناه  
 بازدم سحر بیانی زدم  
 این صدف پر گهرم گشت ملک  
 ۶۳۳ هر چه زبانم بقلم داد بهر  
 گشت باقبال شه مقبلان  
 پرتوی از شه چو برین نظم یافت  
 ورنه مرا این همه یارا کجا  
 دولت شه بر سر من ریخت نور  
 ۶۳۵ شعر چو فرزند سخنور بود  
 زان همه فرزند که این بنده را<sup>ست</sup>  
 این حلف از بخت سعادت طراز  
 زین خلفم نام بر آرد بلند  
 هست امیدم بکر مه های شاه  
 ۶۴۰ آن دگران نیز بیابند نور  
 این همه عبدی چه سرایی سخن  
 خیز که مضمون نگفته نماید  
 باد فرج غنچه نصرت گشاد  
 دست بر آور بدعا صبحگاه  
 ۶۴۵ ای ملک العرش خدای کریم

ای علم افروز دم صبحگاه  
 چهره فروز گل صاحب جمال  
 دولت و عمر شه خورشید جاه  
 روز قزون دار بلبل و نهار  
 ۶۵۰ یارب از وخلق در آسایش است  
 داده گشاد در امن و امان  
 سلسله شریع با و منتظم  
 مذهب حق را چو برافراخت سر  
 روح محمد بهوا داریش  
 ۶۵۵ روح حسین و حسنش چون دو با  
 حرز تنش طاعت زین العباد  
 مذهب جعفر چو کند پی روی  
 جعفر صادق همه جا یاورش  
 گشته رضا جوی ز هشتم امام  
 ۶۶ شیوه تقوی چو بود از تقیش  
 عسکریش باد با امر خدا  
 دولت آن خسرو صاحب قران

وی رقم آرای رخ مهر و ماه  
 شعله فراز دل شوریده حال  
 سایه حق حضرت طهماسب شاه  
 چون خوشی باغ بفصل بهار  
 جمله بلاد تو در آرایش است  
 بسته ره فتنه آخر زمان  
 خانه فجار از و منهدم  
 یاور او باد حق اندر ظفر  
 حیدر صندر بمدد کاریش  
 از پی پرواز براوج کمال  
 یاور او باقر بادین و داد  
 در نسب او گهر موسوی  
 عمر طلب موسی بن جعفرش  
 باد رضا راضی از و صبح و شام  
 باد مدد از تقی و از نقیش  
 پیش رو عسکر حرز و دعا  
 متصل دولت صاحب زمان

تمت

## فهرست اعلام، اماکن و آثار

<u>صفحه</u>		<u>صفحه</u>	<u>الف</u>
۱	جنة الاثمار	۹	ارتنگ
۲ - ۱	جنات عدن	۱۴	ارشی خانه
	<u>چ</u>	۲۸-۲۱-۲	اسکندر - سکندر
۱۹ - ۱۱	چین	۲	اسکندر نامه
	<u>ح</u>	۲۸	آئینه اسکندری
۲۵	حاجی آقا		<u>ب</u>
۳۹ - ۵	حسن (امام)	۲۵	باغ غریبیر
۳۹ - ۵	حسین (امام)	۳۹-۵	باقر (امام)
۲۱	حسن بیگ یوزباشی	۲۳	بدر خان
۳۹	حیدر	۳۵	بلقیس
	<u>خ</u>	۲۷	بهرام میرزا
۲۷	خانه شروانی		<u>ت</u>
۲۱	ختن	۳۹-۵	تقی (امام)
۱۸	خراسان		<u>ج</u>
۱	خسرو و شیرین	۱	جعفر آباد (عمارت)
۱۶ - ۱۱ - ۴	خضر	۳۹-۵	جعفر (امام)

<u>صفحہ</u>	<u>ش</u>	<u>صفحہ</u>
۱۸	شاہ قلی خلیفہ مہر دار	خطا - خطابی ۱۰-۱۷-۲۴-۲۸-۲۹
۳۲	شاہ نعمت اللہ	۲۰ خلیل
	<u>ص</u>	۲-۱ خمسہ
۳۹-۲۹-۵	صاحب زمان (امام)	<u>د</u>
۲	صحیفۃ الاخلاص	۶-۲۱ دارا
۳۹	صفدر	۱ دوچۃ الازہار
۶	صفوی	<u>ر</u>
	<u>ط</u>	۵-۳۹ رضا (امام)
۳۹-۵	طہماسب (شاہ صفوی)	۱ روضۃ الصفات
	<u>ع</u>	<u>ز</u>
۲۲	عبد اللہ خان	۳۵ زہرا
۳۸-۷	عبدی	۵-۳۹ زین العباد (امام)
۳۹	عسکر (امام)	۲ زینت الاوراق
۴	علی بن ابی طالب	<u>س</u>
۴	عمران	۱-۱۲-۱۳ سعادت آباد-باغ سعادت
۳۵	عیسیٰ	۴-۶۰-۹-۱۸ سلیمان (پیغمبر)
	<u>ف</u>	۳۱ ۳۲ سید بیک
۳۶-۳۵	فاطمہ - فاطمی	۳۴ سید میرزا
۲۶	فرخزاد بیک	

صفحه

۳۵	مریم
۲۲-۱۱-۴	مسیح - مسیحا
۶	مصطفوی
۳۹-۳۵-۶-۵	موسوی
۳۹-۵-۴	موسی بن جعفر (امام)
۳۶	مہین بانو (سلطانم خانم)
۲۴	میر شمس الدین علی
۱۹	میر علی کسکنی

ن

۵-۴	نجف
۳۹-۵	نقی (امام)

ه

۲	ہفت پیکر
۱۹	ہندوستان

ی

۴	یوسف (پیغمبر)
۴	یوشع بن نون

صفحه

۲۸-۱۰	فرنگی
۶	فریدون

ق

۳۳	قاجار
۳۴	قاسم بیگ
۳۵-۳۳	قاضی ضیاء الدین
۸	قزوین
۲۶	قطب الدین جامی
۲۳	قورچی باشی

ک

۴	کلم
---	-----

ل

۱	لیلی و مجنون
---	--------------

م

۹	مانی
۱	مخزن الاسرار
۳۹-۳۵-۳۰-۱	محمد (پیغمبر)
۳۲۰-۶-۴	مرتضوی
۲۰	مراد بیگ

## جدول کلمات اصلاح شده

اصلاح شده	در متن نوشته شده	صفحه و بیت
دهی چند	دهی چند دهی چند	ص ۱
خسرو و شیرین	خسرو شیرین	ص ۱
جو	جو	بیت ۲۴
نوری	نوزی	بیت ۱۲۰
باز	باز	بیت ۱۳۷
خاطر ملال	خاطر نمبار و ملال	بیت ۱۶۹
بر	در	بیت ۲۱۱
کنارش	ارش	بیت ۲۳۱
زده و	زدو	بیت ۲۹۳
سوی	سو	بیت ۴۴۵



کلماتی که در متن ناخوانا و یا خواندنش دشوار بود

بیت		بیت	
۱۶۴	خیابان	۳۱	یوسف دهر از نمکش
۱۶۵	دیده و ران	۳۲	گذاشت
۱۸۵	یکسر	۵۳	بفرمان
۱۸۶	دل	۷۵	آتش
۱۹۸	تخته	۹۴	تا بکنم وصف
۲۲۰	سریر	۹۵	بدینسان
۲۲۹	روشنی	۹۸	بفکرت
۲۳۳	ز حدوث	۱۰۷	دانه اش
۲۴۸	چون	۱۱۷	نور
۲۷۱	از	۱۱۸	واقبال
۲۷۵	آئینه	۱۳۸	ز سر گا و کنج
۲۷۹	زیر	۱۴۲	صدف
۲۹۳	زده	۱۴۴	شامگاه
۲۹۷	هر	۱۵۲	صافی
۳۰۱	تافه	۱۶۳	همچو

	بیت		بیت
آن	۴۴۴۳	برده	۳۰۲۱
بسوی	۴۴۵۱	رقص	۳۰۵۱
خانه	۴۴۹۱	سوسن	۳۰۸۱
نقوش	۴۶۹۱	پهلوی این	۳۱۴۱
شیر	۴۷۲۱	افیون	۳۲۲۱
در	۴۷۳۱	و	۳۴۳۱
ابروی	۴۷۳۱	بهر	۳۵۷۱
ساخته	۴۷۹۱	بهشتی	۳۶۵۱
لایق	۴۹۲۱	قیسی	۳۶۹۱
دلپسند	۴۹۵۱	مدور	۳۷۸۱
آمده حیران	۵۳۰۱	اختر	۳۸۴۱
و	۵۵۴۱	اختران	۳۸۸۱
زده	۵۶۱۱	صبر	۳۹۶۱
سید	۵۶۶۱	آب	۴۰۶۱
چون زقن یاربشیرش میل	۵۷۰۱	بحیرت	۴۱۶۱
چون رخ عاشق به اوزر درنگ	۵۷۱۱	کرده	۴۲۷۱
داشته سردر	۵۷۱۱	در	۴۲۷۱
راز	۵۹۷۱	بسر	۴۳۵۱

	بیت		بیت
	۶۳۶	یعنی	۶۱۱ <sup>آ</sup>
زاده	۶۴۷	خاطر	۶۲۶ <sup>ب</sup>
شوریده		غوطه	۶۲۸ <sup>ب</sup>

## فهرست

- پیشگفتار  
۱ دیباچه  
۳ فی النعت  
۴ در منقبت حضرات ائمه معصومین علیهم السلام  
۵ در دعای دولت شاه دین پناه  
۷ سبب نظم کتاب  
۸ مقدمه در ذکر مجملی عمارات و باغ مبارک سعادت آباد  
۱۳ آغاز صفت باغ مبارک سعادت آباد  
صفت ارشی خانه و حوض میان آن که در چهار سوی وسط باغ  
۱۴ واقعت  
۱۶ صفت سرحوض و ایوان  
۱۸ صفت باغ امام علیه السلام بسرکاری شاه قلی خلیفه مهرداد  
۱۹ صفت باغ میر علی کسکنی  
۲۰ صفت باغ که تالار در میان دارد

- ۲۰ صفت باغ مراد بیگ
- ۲۱ صفت باغ حسین بیگ یوز باشی
- ۲۲ صفت باغ عبد الله خان
- ۲۳ صفت باغ بدرخان
- صفت باغ قورچی باشی وتالاری که بسرکاری سعداً مسعوداً
- ۲۳ امام یافته
- ۲۴ صفت باغ میر شمس الدین علی
- ۲۴ صفت باغ انگورستان
- ۲۵ صفت باغ حاجی آقا
- ۲۵ صفت گلزار مشهور باغ فریلبر
- ۲۶ صفت باغ فرخزاد بیگ
- ۲۶ صفت باغ خواجه قطب الدین جامی
- ۲۶ صفت قطعات جانب مغرب باغ بتفصیل و عمارات آن
- ۲۷ صفت باغ بهرام میرزا وخانه شروانی
- صفت صفه و ایوان غربی و حوض و تالار و دکان و باغ
- ۲۸ سر حوض
- ۳۱ صفت باغ سید بیگ
- ۳۲ صفت باغ شاه نعمت الله
- ۳۳ صفت باغ قاضی ضیاء الدین
- ۳۳ صفت باغ قاجار

- ۳۴ صفت چمن قاسم بیگ
- ۳۴ صفت باغ سید میرزا
- ۳۵ صفت باغ گنج قاضی ضیاء الدین
- چون این باغ حسب فرمان نواب کامیاب بنواب  
علیا حضرت ناموس العالمی تعلق گرفته واجب دید  
بیان این معنی نمودن و دست بدعای عمر و دولت  
نواب مستطاب مشارالیهها بدین تقریب گشودن
- ۳۵ خانقه مشتمله بر دعای دولت شاه دین پناه
- ۳۷ فهرست اعلام ، اماکن و آثار
- ۴۰ جدول کلمات اصلاح شده
- ۴۳ کلماتی که در متن ناخوانا و یا خواندنش دشوار بود
- ۴۴

Т Е К С Т

## СОДЕРЖАНИЕ

Предисловие . . . . .	3
Раузаг ас-сифат (текст) . . . . .	13



пустил по одному полустихию из двух бейтов, механически соединив оставшиеся строки. В настоящем издании этот бейт воспроизводится по рукописи.

\* \* \*

Пользуясь случаем, приносим искреннюю благодарность за помощь в расшифровке некоторых трудночитаемых слов акад. А.А.Ализаде, кандидату искусствоведения А.Минаи, а также кандидату филологических наук Г.Заринезаде и кандидату исторических наук Х.Хатеми.

Мы выражаем также глубокую признательность видному иранскому ученому Мохаммед-Таги Данеш-Пажуху, содействовавшему в сборе материала о жизни и творчестве Абди-бека Ширази и сообщившему о рукописных экземплярах его сочинений, а также Забихуллаху Сафа и Абдуррасулу Хайампуру, призвавшим микрофильмы сочинений поэта.

А. Рагимов

ляна Касум-бека; 7) сад Сейид-Мирзы; 8) сад Кази Зийад-дина; 9) сад Мехинбану Султаным-ханум.

Имена лиц, упоминаемых в Раузат ас-сифат, можно встретить в сочинениях ХУІ в.: Тазкира-йи шах Тахмасп<sup>14</sup>, Мука-лама-йи шах Тахмасп ба илчийан<sup>15</sup>, Такмилат ал-ахбар<sup>16</sup>, Джавахир ал-ахбар<sup>17</sup>, Шараф-наме<sup>18</sup>, Ахсан ат-таварих<sup>19</sup> и др. Некоторые из них были близкими родственниками шаха Тахмаспа. Так, Бахрам-Мирза - брат шаха Тахмаспа, всегда сохранявший верность ему, Мехинбану Султаным-ханум - любимая сестра шаха, Абдуллах-хан Устаджлу и Шах-Ниматуллах - мужья сестер шаха.

Как и предыдущие маснави Абди-бека, поэма Раузат ас-сифат написана простым языком. Не являясь, в сущности, художественным произведением, Раузат ас-сифат может послужить ценным источником для исследователей, историков, искусствоведов и пр., изучающих сефевидский Иран ХУІ в., в особенности историю Казвина.

\* \* \*

Издание текста Раузат ас-сифат подготовлено на основе единственной пока рукописи третьей "Хамса", хранящейся в Центральной библиотеке Тегеранского университета. Рукопись переписана в 999/1561-62 г. неизвестным каллиграфом с первого варианта поэмы. Почерк - мелкий наск, текст расположен в четыре колонки. На каждой странице рукописи около 45 бейтов. В фотокопии рукописи некоторые слова читаются с трудом, есть строки совершенно неразборчивые. Мы помещаем в конце книги таблицу этих слов. Особо следует отметить очевидные искажения в бейте 321, вероятно, по невнимательности переписчика. Нам представляется, что каллиграф про-

14 طهماسب صفوی "تذکره" طهماسب "کلکته" ۱۹۱۶ م

15 مکالمه شاه طهماسب با ایلچیان

Рукопись Государственной публичной библиотеки им. Салтыкова-Щедрина (Дорн, № 301).

16 Абди-бек, Такмилат ал-ахбар.

17 Будаг Муяши Казвини, Джавахир ал-ахбар.

18 شرف طان بن شمس الدین بدلیسی "شرف نامه" جلد ۲ "پطربورج"

19 حسن بیگ روملو "احسن التواریخ" کلکته ۱۹۳۱ م

ратурных произведений, в частности поэм Низами и Джами, а также сценами охоты<sup>11</sup>. Описания, которые даны в маснави Абди-бека, могут помочь реставрации этих ценных произведений искусства. Описание ряда зданий, аллей, частных садов, бассейнов и пр. в Саадатабаде отличается такой конкретностью, что на его основе можно набросать общий план парка.

Французский путешественник Шарден, в конце XVII в. побывавший в Казвине, отмечает, что замок шаха имел семь ворот. Самые знаменитые из них называются Али-капу, на арке золотом было написано:

"В надежде, что эти ворота ведут к богатству и благоденствию, порокой чему то, что нет бога, кроме него"<sup>12</sup>.

В примечании к этой части записей Шардена М. Голриэ указывает, что надпись состояла из следующего бейта:

"Да будут эти ворота вратами счастья во имя Аллаха, кроме которого нет бога"<sup>13</sup>.

Исходя из Раузат ас-сифат, можно составить представление о растительности Саадатабадского парка: там росли кипарис, чинара, самшит, слива, алыча, груша, гранат, янжир, фисташки, яблоня, черешня, фундук и многие другие декоративные и фруктовые деревья. Были здесь и разные сорта цветов: фиалка, водяная лилия, жасмин, ирис, нарцисс, роза и др.

Говоря о различных сортах винограда, выращиваемого в парке, Абди-бек особо хвалит такие сорта, как "фахри", "табарзат", "сахиби", "кишмиш", "маллахи", "ахмади".

Когда создавалось сочинение Раузат ас-сифат, Саадатабадский парк включал в себя двадцать три частных сада, цветник, виноградный сад и поляну. Четырнадцать из этих садов были расположены к востоку от Арашихане. Это были следующие сады: 1) сад имама, управляемый Шахули Халифа Зулькадар-мухрдаром; 2) сад Мир-Али Каскина; 3) "сад с дворцом"; 4) сад Мурад-бека; 5) сад Хасан-бека Юзбаша Устаджлу; 6) сад Абдуллах-хана Устаджлу; 7) сад Амир-Дивана Бадр-хана Устаджлу; 8) сад Гурчибаши; 9) сад Мир Шамсаддина Али; 10) виноградный сад; 11) сад Хаджи Ага; 12) цветник, известный под названием "Сад странников"; 13) сад Фаррухзад-бека; 14) сад Кутбаддина Джами.

К западу от Арашихане было восемь садов и одна поляна:

1) сад Бахрам-Мирзы; 2) сад Сейид-бека; 3) сад Шах-Ниматуллаха; 4) сад Кази Зийаддина; 5) сад Каджара; 6) по-

<sup>11</sup> Абди-бек Ширази, Куллийат-и Навиди, стр. 527-535. Фотокопия рукописи Центральной библиотеки Тегеранского университета, хранящаяся в Институте народов Ближнего и Среднего Востока АН Азерб.ССР,

<sup>12</sup> См.: М. Голриэ, стр. 208.

<sup>13</sup> Там же.

“Повеление твое подсказало мне мысль воспеть прекрасный парк с аллеями его. Взял я в руки свое могучее перо, дабы изобразить его таким, как есть. Удалился я в чащу размышлений, чтобы глазами истины увидеть все, чтобы понять сокровенный смысл всего, что было до меня, ибо мастера слова, что были до меня, не выступали на этом ристалище мысли. Обдумал я все тщательно про себя и приступаю ныне к делу своему. Тебе надлежит поднять стяг повинования, мне же, играющему жизнью, – последовать твоему примеру.”

В конце введения к поэме автор сообщает дату завершения третьей “Хамсы”:

بی نام این نامه نامدار  
 زمانه پسندیده جنات عدن  
 جو پرسند تاریخ اتمام این  
 بگو رونقی دیده جنات عدن<sup>9</sup>

“Это ценное сочинение судьба нарекла Джаннат-и адн. Если спросят дату завершения, ответ – расцвели райские сады”.

Итак, время завершения Джаннат-и адн указано в хронограмме в последней строке: رونقی دیده. Цифровое значение этих слов равно 967, т.е. третья “Хамса”, состоящая из 4135 бейтов, была закончена в 967/1559-60 г.

Первое маснави третьей “Хамсы” – Раузат ас-сифат, как и остальные четыре маснави, начинается небольшим вступлением – славословиями и восхвалениями. Основная часть сочинения начинается с описания и восхваления Саадатабадского парка. Из слов поэта видно, что Саадатабадский парк и дворец, как это сообщалось и в Такмилат ал-ахбар, были заложены и построены по специальному плану<sup>10</sup>. В центре Саадатабадского парка выстроили дворец шаха Тахмаспа, который Абди-бек называет Арашихане. С ХУІ в. авторы начали называть это здание Чихилсутун (“Сорокаколонный”). Прежде в центре первого этажа дворца располагался прямоугольный бассейн, окруженный колоннами. Однако они не сохранились, как и красивые росписи на стенах.

Как сказано в Раузат ас-сифат, в дворце Арашихане, как и в дворце “Ширвац”; принадлежавшем любимому брату шаха Тахмаспа – Бахрам-Мирзе, стены были украшены росписью в стилях “хатац”, “эслими”, “бандруми”, а также изображениями животных, сценами на темы классических лите-

<sup>9</sup> Там же, стр. 2

<sup>10</sup> Такмилат ал-ахбар, л. 266 б.

резиденции, каковые и были завершены такими, подобных которым не видало на свете. А [нижайший] сотворил книгу под названием Джаннат-и адн, заключающую в себе пять маснави в пять тысяч бейтов с описанием прелестей этих зданий и садов, каковая /книга/ и была доведена до слуха и зрения его величества<sup>8</sup>.

Следует особо остановиться на двух моментах этого со- общения Абди-бека:

а) Как видно из приведенной выше цитаты, поэт гово- рит о том, что Джаннат-и адн состоит из 5 тыс. бейтов. Но в имеющемся в нашем распоряжении рукописном экземпляре всего 4135 бейтов. Можно предположить, что Абди-бек, за- вершив свою работу, не пересчитывал количество бейтов и ука- зал приблизительную цифру.

б) Принимая во внимание последнюю фразу этого отрыв- ка, можно прийти к выводу, что, завершив свое сочинение, Абди-бек преподнес его шаху Тахмаспу.

Абди-бек написал Джаннат-и адн по указанию шаха. Дру- гого подобного сочинения, написанного каким-либо иным поэтом, не было. Сам поэт говорит об этом следующее:

امر توام ریخت خرد در دماغ  
 تا بکنم وصف خیابان و باغ  
 کلك هنرینه گرفتم بدست  
 تا بکنم وصف بدینمان که هست  
 سیر نمودم بریاض خیــــــــــــــــال  
 تا بحقیقت نگسم چیست حال  
 چیست نهان مانده معانی خاص  
 کان نده زمین پیش ز جنگم خلاص  
 وانچه ز من پیش سخن برودان  
 رخن نراندند بفکــــــــــــــــرت در آن  
 با دل خود داده یکایک قرار  
 آمدم اینک بسر کار و بار  
 از تو بفرمان علم افراختن  
 وز من جانباز بسر تاختن<sup>8</sup>

<sup>8</sup> Раузат ас-сифат, стр. 8.

маспа из старой резиденции в новую. Он, в частности, пишет:

در این سال نواب هایون بدولت و اقبال روز چهارشنبه مقدمم ربیع  
الاول بمبارکی و طالع سعد از دولتخانه کهنه بدولتخانه مجدّد  
که بر جانب اعلاى قزوین عمارت فرموده بودند تحویل فرمودند<sup>5</sup>

“В этом году в среду 17 раби аль-авваль его величество при счастливых знамениях изволили переехать из старой резиденции в новую, построенную в лучшем месте Казвина”.

Приведенные свидетельства Будаг Мунши и Абди-бека позволяют утверждать, что после избрания Казвина столицей Сефевидской державы там было выстроено здание временной резиденции. Это здание оставалось резиденцией в течение 12 лет, а в 985/1558 г. шах переехал в новую резиденцию. В связи с этим событием Абди-бек написал касыду, 6 бейтов из которой он и приводит в качестве примера в Такмилат ал-ахбар<sup>6</sup>.

С упоминанием о Джаннат-и адн, т.е. третьей “Хамса” Абди-бека Ширази, мы впервые сталкиваемся в его сочинении Такмилат ал-ахбар. Описывая события 961/1544–45 г., он, в частности, замечает:

نواب کامیاب بدار السلطنه قزوین باز گشته قشلمیشی فرمودند و  
من بعد قتلای یقزوین مقرر شد و طرح باغ و دولتخانه در آنجا  
انداختند و به بهترین وضعی که چشم روزگار نظیر آن ندیده  
اتمام یافت و این [فقیر] در صفت آن عمارات و باغات  
پنجهزار بیت کتابی مشتمل بر پنج بحر مثنوی موسوم به «جنات عدن»  
بنظم آورده و بسمع و نظر نواب هایون رسانیده<sup>7</sup>

“Счастливейший властитель вернулся в столицу Казвин и провел здесь зиму. После этого Казвин был избран /постоянным/ зимовьем. Здесь было приступлено к закладке парка и

<sup>5</sup> عبدی بیگ شیرازی، “تکملة الاخبار” Рукопись архива

Института народов Ближнего и Среднего Востока АН

Азерб.ССР, инв. № 48, л. 275а (далее - Такмилат ал-ахбар).

<sup>6</sup> Такмилат ал-ахбар, л. 275а.

<sup>7</sup> Там же, л. 286б.

дожественное произведение. В диванах многих поэтов, правда, можно встретить стихотворения, восхваляющие те или иные дворцы, сады, мечети, бани, медресе и т.п. Но третья "Хамса" Абди-бека и по объему, равно как по содержанию и по форме отличается от подобных сочинений<sup>2</sup>.

В 951/1544-45 г. шах Тахмасп (1524-1578) из политических соображений перенес свою столицу из Тебриза в Казвин, поскольку прежняя столица, расположенная близ турецкой границы, несколько раз подвергалась нападениям турок.

После того как Казвин стал столицей, здесь был заложен Саадатабадский парк, где шах Тахмасп, его родственники и сефевидская знать строили для себя дворцы, окружая их садами и цветниками. В Раузат ас-сифат Абди-бек описывает Саадатабадский парк, построенный здесь Арашихане-дворец шаха Тахмаспа, дворец Ширвани, а также сады разных феодалов-сановников, приводит сведения о местоположении этих садов.

Подобно другим ученым и поэтам XVI в., Абди-бек также служил в придворной канцелярии и неоднократно посещал описываемые объекты. В середине XVI в. Абди-бек был уже признанным поэтом. К этому времени он написал более пятнадцати художественных произведений, и шах Тахмасп, знакомый с его творчеством, приказал ему описать в стихах Саадатабадский парк и его постройки<sup>3</sup>.

Одним из авторов, впервые сообщившим о том, как и когда был основан Саадатабадский парк, был Будаг Мунши Казвини. Он указывает, что Саадатабадский парк в Казвине был разбит в 953/1546-47 г. и в этом же году заложен первый дворец в парке<sup>4</sup>. Вероятно, здесь имеется в виду первое здание дворцового ансамбля шаха Тахмаспа, которое, пока не были построены другие, более величественные сооружения, было его резиденцией.

В Такмилат ал-тахбар, описывая события 985-986/1557-1559 гг., Абди-бек Ширази упоминает и о переезде шаха Тах-

<sup>2</sup> В связи с авторами, писавшими о Казвине, см.:

سید محمد علی گلریز، "مینو دریا باب الجنة لزوین"، تهران، ۱۳۲۷

و ش ص ط و (далее - М. Голриз).

<sup>3</sup> "عبدی بیگ شیرازی"، روضة الصفات" наст. изд., стр. 1, 8, 37, 38 (далее - Раузат ас-сифат).

<sup>4</sup> "جواهر الاخبار" Рукопись Государственной публичной библиотеки им. Салтыкова-Щедрина (Дорн, № 289), л. 321б.

Творческое наследие Абди-бека весьма обширно и разнообразно<sup>1</sup>. Он автор как лирических стихов, так и многих маснави и исторических произведений, хранящихся в музеях и библиотеках Баку, Тегерана, Тебриза, Ленинграда и Лондона. Мазхар ал-асмар, Джам-и Джамшиди, Маджнун ва Лайли, Хафт ахтар, Аин-и Искандари составляют первую "Хамса"; Джаухар-и фард, Дафтар-и дард, Анвар-и таджалли, Хазайн-и малакут, Фирдаус ал-арифин - вторую "Хамса"; Раузаг ас-сифат, Даухат ал-азхар, Джаннат ал-асмар, Зинат ал-аураг, Сахифат ал-ихлас - третью "Хамса"; ему принадлежат также сочинения Такминат ал-ахбар, Сарих ал-мулк.

Рукописей произведений Саламан ва Абсал, Тараб-наме и Дибачат ал-байан пока еще обнаружить не удалось. Публикуемая поэма Раузаг ас-сифат - первое маснави, входящее в неизвестную до последнего времени третью "Хамса" под названием Джаннат-и оди. Произведения третьей "Хамса" написаны следующими размерами:

- 1) Раузаг ас-сифат - сари;
- 2) Даухат ал-азхар - хазадж;
- 3) Джаннат ал-асмар - хазадж;
- 4) Зинат ал-аураг - хафиф;
- 5) Сахифат ал-ихлас - мутакариб.

Третья "Хамса" по своему объему значительно уступает первой и второй. Она состоит всего из 4135 бейтов, в том числе: Раузаг ас-сифат - 662 бейта, Даухат ал-азхар - 1170, Джаннат ал-асмар - 640, Зинат ал-аураг - 1089 и Сахифат ал-ихлас - 574 бейта.

Маснави третьей "Хамса" посвящены описанию Казвина, но в то же время в каждом из них основное место отводится одной какой-либо проблеме. Так, если в первой поэме центральное место занимает описание Саадатабадского парка, во второй основное внимание уделено настенной живописи, в третьей описываются выращиваемые в Казвине плоды и фрукты, в четвертой - пребывание в Казвине Байазиды - сына турецкого султана Сулеймана (1520-1566) и т.д. Каждое из пяти произведений начинается с обычных религиозных славословий, восхвалений и панегириков, что также подтверждает самостоятельность каждого маснави.

В богатейшем классическом наследии азербайджанской и персидской литератур не засвидетельствовано ни одного случая, когда описанию какого-либо дворцового комплекса или сада была бы посвящена отдельная "Хамса" или крупное ху-

---

<sup>1</sup> Более подробные сведения см.: Абди-Бек Ширази, Маджнун и Лайли, критический текст и предисловие А. Рагимова, М., 1966 и 1967; А.Г. Рагимов, Жизнь и творчество Абди-бека Ширази, Баку, 1970 (на азерб. яз.).



## ПРЕДИСЛОВИЕ

Имя видного поэта и историка XVI в. Зайн ал-Абидана Али (Навиди) Абди-бека Ширази (1515-1580) редко встречается в работах по истории персидской литературы. В Иране сочинения этого поэта, имеющие определенное значение для изучения современной ему литературы, истории, архитектуры, живописи, каллиграфии, до сих пор не опубликованы.

Абди-бек Ширази родился 9 раджаб 921 г. (19 августа 1515 г.) в Тебризе. Отца Абди-бека звали Абд ал-Мумин, а деда по отцу - Садр ад-Дин. В своих произведениях поэт ничего не пишет об отце, лишь в первой поэме - Джам-и Джам-шиди, законченной в 913/1536-37 г., давая наставления брату Сад ад-Дин Инаяталлаху, поэт упоминает о кончине отца. В 937/1530-31 г., после смерти отца, Абди-бек был вынужден бросить учение, он поступает работать в шахскую канцелярию.

В нескольких маснави Абди-бек упоминает имена двух своих сыновей, адресуя им отеческие наставления. Имя старшего сына, Шамс ад-Дина Мухаммад-Мумина, поэт впервые упоминает в законченной им в 917/1540-41 г. поэме Маджнун ва Лайли. Шамс ад-Дин Мухаммад-Мумин родился в 947/1540-41 г. в Тебризе. Второго сына Абди-бека звали Джалал ад-Дин Султан-Мухаммад. Он родился в 957/1551 г. в Казвине.

Поэт посетил в 941/1534-35 г. г. Ван, а в 961/1553-54 г. - Грузию. По возвращении из Грузии он в 974/1566-67 г. переселился из Казвина в Ардебиль. После семи лет пребывания при мавзолее Шейха Сафи, в возрасте шестидесяти лет, в 981/1573-74 г., Абди-бек опять переехал в Казвин, а примерно через пять-шесть лет возвратился в Ардебиль, где и умер в 988/1580 г.

Абди-бек рано начал литературную деятельность. В произведениях поэта можно найти сведения о том, что еще до поступления в канцелярию он писал газели, касиды, рубаи, выступая под псевдонимом Навиди. По истечении некоторого времени он якобы по совету шаха Тахмаспа и Касими Гонабди стал писать в основном маснави.

Ответственный редактор

А. МИНАИ

Абди-бек Ширази, поэт и историк XVI в., посвятил поэму "Раузат ас-сефат" описанию Саада-табдского парка в Казвине. Поэма может служить ценным источником для исследователей сефевидского Ирана.

А 70104-086  
195-73  
013(02) - 74

Абди-бек Ширази  
РАУЗАТ АС-СИФАТ  
("Сад достоинств")

Утверждено к печати  
Институтом народов Ближнего и Среднего Востока  
Академии наук Азербайджанской ССР

Редактор Н.Б.Ковдырева Художественный редактор И.Р.Бескин  
Младший редактор И.И.Исаева Технический редактор С.В.Цветкова

Сдано в набор 1/Ш - 1973 г. Подписано к печати 9/1У-1974 г.  
Формат 70x108 1/16, Бумага № 1. Печ. л. 5,25. Уч.-изд. л. 3,59  
Усл. печ. листов 7,35. Тир. 4000 экз. Изд. № 323Б. Заказ 203  
Цена 36 коп.

Главная редакция восточной литературы издательства "Наука"  
Москва, Центр, Армянский пер., 2  
3-я типография издательства "Наука"  
Москва К-45, Б.Кисельный пер., 4

© Главная редакция восточной литературы  
издательства "Наука", 1974.

АКАДЕМИЯ НАУК СССР  
ИНСТИТУТ ВОСТОКОВЕДЕНИЯ  
АКАДЕМИЯ НАУК АЗЕРБАЙДЖАНСКОЙ ССР  
ИНСТИТУТ НАРОДОВ БЛИЖНЕГО И СРЕДНЕГО ВОСТОКА

---

*Абди-бек Ширази*



РАУЗАТ АС-СИФАТ

*Подготовка текста*  
А. РАГИМОВА



ИЗДАТЕЛЬСТВО «НАУКА»  
ГЛАВНАЯ РЕДАКЦИЯ ВОСТОЧНОЙ ЛИТЕРАТУРЫ  
МОСКВА 1974

*Абди-бек Ширази*

---

РАУЗАТ АС-СИФАТ



## **در کتابخانه «به سوی آینده»**

کتابهای زیر در دست تهیه برای ارائه اینترنتی:

فرهنگستان علوم جمهوری شوروی سوسیالیستی  
آذربایجان  
انستیتوسی ملل خاور میانه و نزدیک

محمد بن هندو شاه نخجوانی  
دستورالکاتب فی  
تعیین المراتب

جلد دوم  
متن علمی و انتقادی با مقدمه و فهرستها  
بسعی و اهتمام  
عبدالکریم علی اوغلی علی زاده

مسکو- ۱۹۷۶

آکادمی علوم جمهوری شوروی سوسیالیستی آذربایجان  
انستیتیوی ملل خاور میانه و نزدیک

امیر خسرو دهلوی  
مطلع الانوار

بالتصحیح و مقدمه  
طاہر احمد اوغلی محرم اوف

شعبۂ ادبیات خاور

مکو ۱۹۷۵

دانشگاه دولتی سمرقند بنام علی شیرزادی

امیر خسرو دهلوی  
آئینه اسکندری  
با تصحیح و مقدمه جمال میرسیف

شعبه ادبیات خاور  
مسکو ۱۹۷۷



تاریخ  
الاقطار  
العربية  
المعاصر

تاریخ  
معاصر  
کشورهای  
عربی

/۱۹۷۰-۱۹۱۷/

جلد سوم

أكاديمية العلوم في الاتحاد السوفيتي

معهد الاستشراق

# تاريخ الإقطار العربية المعاصرة

/١٩١٧-١٩٧٠/

الجزء الثاني



دار التقدم

موسكو

# دار التقدم

## صدر

موجز تاريخ الحزب الشيوعي السوفييتي  
( سلسلة : « التقدم . النظرية الماركسية-اللينينية » )  
لفت هذا الكتاب جماعة من المؤرخين  
السوفييت تحت اشراف الاكاديمي ب. بونومارييف .  
ويتضمن الكتاب تحليلا لنشاط الحزب في فترة  
ثورة اكتوبر الاشتراكية العظمى وبناء الاشتراكية  
والشيوعية في الاتحاد السوفييتي ولدور الحزب  
في تطوير الاقتصاد وثقافة الشعب السوفييتي وفي  
زيادة رفاهه وتعزيز القدرة الدفاعية للاتحاد السوفييتي  
وحماية مكتسباته الاشتراكية ، وفي ترسيخ وحدة  
الحركة الشيوعية والعمالية العالمية .  
والكتاب موضوع باسلوب سلس بليغ ومزود  
بصور .

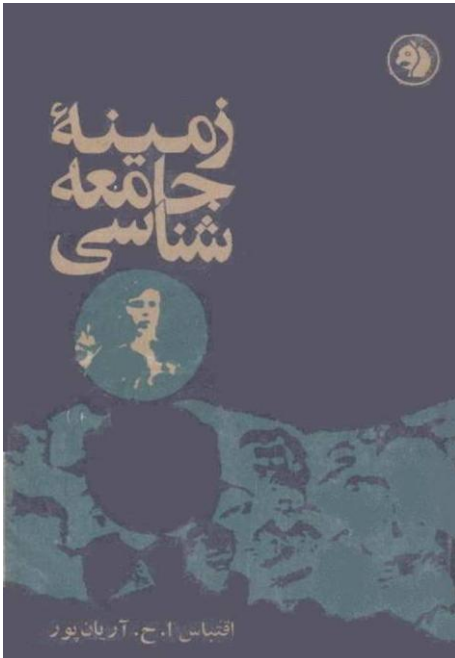
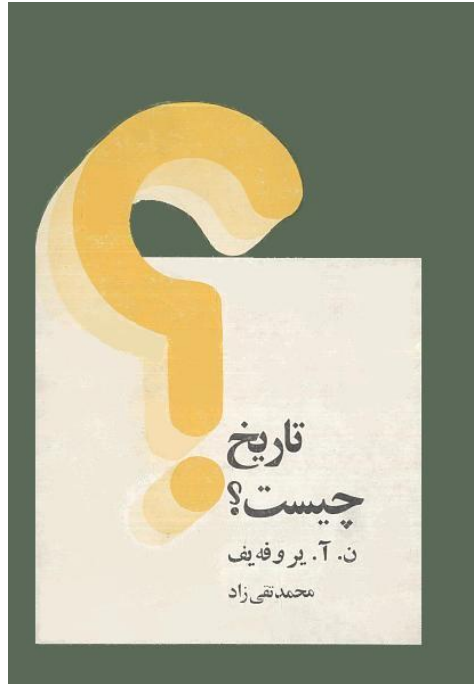
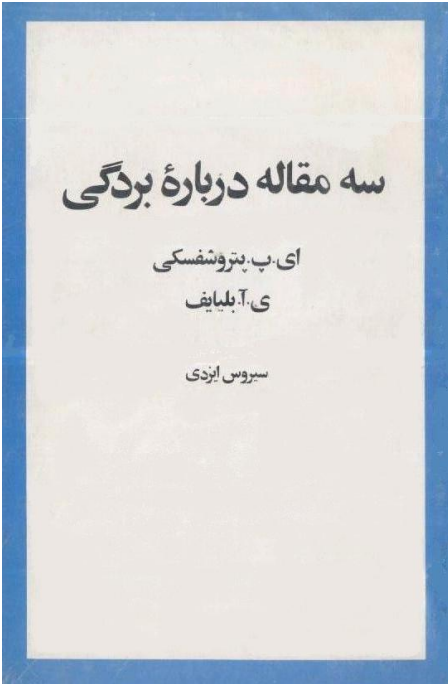
# دار التقدفم

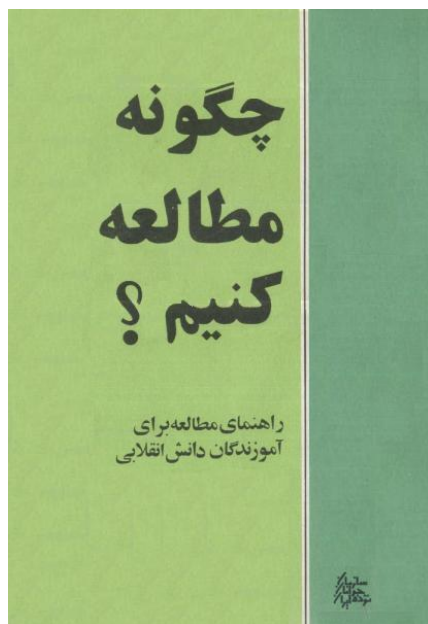
صدر

الكسيف ، كارتسوف ، ترويتسكى .  
موجز تاريخ الاتحاد السوفيتى . ( بحث مبسط )  
هذا الكتاب حديث موجز مبسط عن تاريخ  
الاتحاد السوفيتى وشعوبه ابتداء من اقدم  
الجماعات التى سكنت اراضى المناطق الشمالية  
والجنوبية فى روسيا وارضى القفقاس وآسيا  
الوسطى . ويطلع القارئ على تاريخ نشؤ الدولة  
الروسية الاقطاعية وتوسعها وعلى تطور الرأسمالية  
فى روسيا ونشؤ وتطور الطبقة العاملة والحركة الثورية  
البروليتارية التى تكملت بانتصار ثورة اكتوبر  
الاشتراكية العظمى .

ويستعرض مؤلفو الكتاب الاحداث الرئيسية  
طوال نصف قرن من تاريخ اول دولة اشتراكية  
فى العالم ، كما يتحدثون عن منجزات شعوب  
الاتحاد السوفيتى فى بناء الاشتراكية والشيوعية .

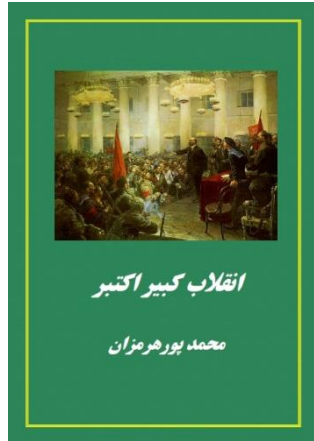
## منتشر شد:





کتابخانه «به سوی آینده» در نظر دارد بخش اعظم کتاب‌هایی مندرج در کتاب‌های راهنمای مطالعه موسوم به «چگونه مطالعه کنیم؟» از انتشارات سازمان جوانان حزب توده ایران و «با کدام کتابها آغاز کنیم؟» از انتشارات کانون دانش‌آموزان ایران را در دسترس علاقمندان قرار دهد. ما را یاری کنید!

# کتابخانه‌های دیگر:



کتابخانه چاوشان نوزایی کبیر

<http://www.chawoshan.mihanblog.com>

شکست اثر الکساندر فادیف با ترجمه رفیق شهید رضا شلتوکی

چنگیز خان با ترجمه رفیق محمد پورهرمزگان

پژوهش اثری از استاد امیرحسین آریان پور

انقلابیگری خرده بورژوازی اثری ارزنده از موريس لیسون

انقلاب کبیر اکتبر اثری از زنده یاد محمد پورهرمزگان

در آستانه رستاخیز اثری از استاد فقید امیر حسین آریان پور

در زندان و در آزادی اثر س. اوستنگل با مقدمه ناظم حکمت

اصول مقدماتی فلسفه با ترجمه رفیق فقید جهانگیر افکاری

هدف ادبیات نوشته ماکسیم گورکی

رمان همسایه ها شاهکار رفیق فقید احمد محمود

۱۰ روزی که دنیا را لرزاند اثر جان رید با ترجمه رحیم نامور و بهرام دانش

منشاء موسیقی اثری از استاد فقید امیرحسین آریان پور

امپریالیسم به مثابه ی بالاترین مرحله سرمایه داری

انقلاب پرولتری و کائوتسکی مرتد اثری از لنین با ترجمه محمد پورهرمز

لنینیسم و جنبش مترقی جوانان از سری انتشارات سازمان جوانان توده ی ایران

اثری از پلخانف با ترجمه درخشان رفیق فقید کیانوری

تاریخ توسعه طلبی آمریکا در ایران

واکنش به سوسیالیست ها - اثری از سام وب رهبر حزب کمونیست آمریکا

«مبارزه قهرمانانه، شکست تلخ» اثر بهمن آزاد

هجدهم برومر اثری از کارل مارکس با ترجمه رفیق شهید محمد پورهرمز

درس های پیکار منظومه ای از رفیق احسان طبری

صفحاتی از تاریخ جنبش جهانی کارگری و کمونیستی اثر رفیق شهید جواتشیر

تاریخ احزاب در ایران

انتقاد و انتقاد از خود

شمه ای در باره ی تاریخ جنبش کارگری ایران

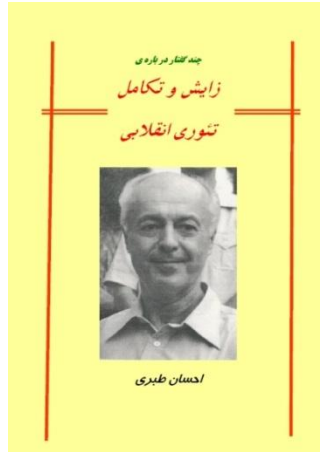
در باره برخی از خصوصیات تکامل تاریخی مارکسیسم

تاریخ نگاری فلسفه

حزب توده ایران و دکتر مصدق

مبارزه طبقاتی





کتابخانه «انجمن دوستداران احسان طبری»

[/http://tabari.blogspot.com](http://tabari.blogspot.com)

آثار احسان طبری

• سطح امروزی فلسفه

• قصه‌ی شغال شاه

• جستارهایی از تاریخ

• در باره سمیوتیک

• پنجابه

• منتخب مقالات

• در باره منطق عمل

• سفر جادو

• گزیده مقالات

- با پچیچه های پاییز
- هورستیک
- درباره سبیرنتیک
- جامعه شناسی
- تاریخ یک بیداری
- گنومات
- شکنجه و امید
- دهه نخستین
- فرهاد چهارم
- داستان و داستان نگاری
- چهره یک انسان انقلابی
- از میان ریگها و الماسها
- درس های پیکار
- سیر تکوین ماده و شعور
- رانده ستم و چهره خانه
- نیروی سوم پایگاه اجتماعی امپریالیسم
- راهی از بیرون به دیار شب
- زایش و تکامل تئوری انقلابی
- مارکسیسم لنینیسم به زبان ساده (الفبای مبارزه)
- آموزش فلسفه علمی (بنیاد آموزش انقلابی)
- تئوری سیستمها و اصول دیالکتیک

- فروپاشی نظام سنتی و زایش سرمایه داری
- مسائلی از فرهنگ و هنر و زبان
- برخی اندیشه ها درباره دیالکتیک
- سیستم و برخورد سیستمی
- جامعه ایران در دوران رضا شاه
- برخی بررسی ها درباره جهان بینی ها و جنبش های اجتماعی در ایران

### سخنرانی ها :

- دیالک تیک
- بای سننز
- ناکجا آباد
- کافکا

### برخی مقالات و اشعار احسان طبری:

- لیبرالیسم، دمکراتیسم و پیوند آن با موضع‌گیری ضدامپریالیستی
- تکامل ادب فارسی در دوران پس از اسلام
- طبقه و ساخت طبقاتی جامعه
- ایران، بهار تازه در راه است
- درو بر بردباری پی گیران (غزلواره)
- جامعه آینده و جامعه بی آینده
- بررسی مسایل نظری مربوط به انقلاب ایران

هنر بیمان سپرده ، فرهنگ پویا

هنر ، سیاست، تاریخ

آدمی جز پیکار در راه خوشبختی خود چاره ی دیگری ندارد!

سوگند دیگر

در باره ملت و مساله ملی

ساخت طبقاتی جامعه: برخی دقت‌ها و حاشیه‌ها

درباره ی ژانر «تعزیه»

مقوله های اقتصادی در ادبیات کلاسیک ایران

فرد انقلابی در زندگی عادی

درباره ی تروتسکیسم

چرا یکدیگر را در بحث آزاد و سالم تحمل نکنیم!

کودک اندر دیار سرمایه

چگونه بحث کنیم؟

محور مرکزی داوری درباره افراد و جمعیت‌ها

پیروزی خورشید

زندگی سیاسی و بی‌طرفی

لیبرالیسم، دمکراتیسم و پیوند آن با موضعگیری ضدامپریالیستی

زمان را گنج‌ها در آستین است

سخنی درباره ی شعر (فارسی)

شعری از پاتریس لومومبا نخست وزیر شهید کنگو

فرد انقلابی و خودآموزی و خود نقادی

دیالکتیک مبارزه سیاسی و موازین اخلاقی

مارکسیسم و شناخت آینده

مهر و مهرگان

ولادیمیر ایلیچ لنین

مذهب و ملتگرایی

میهن پرستی

زنده باد جمهوری متکی بر اراده مردم!

رژیم و مذهب

---

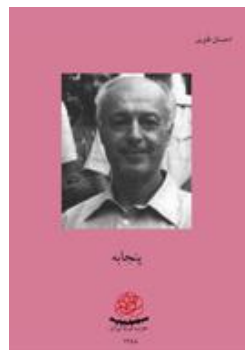
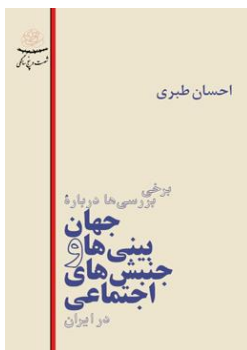
برای دریافت کتاب‌های زنده‌یاد رفیق احسان طبری به تارنگارهای زیر  
مراجعه کنید!

۱- کتابخانه حزب توده ایران

<http://www.tudehpartyiran.org>

۲- انجمن دوستداران احسان طبری

<http://tabari.blogspot.com>



از انتشارات حزب توده ایران

## (... کار و دانش را به تفت زر بنشانیم...)

انتشار این سری از کتاب‌های کتابخانه  
«به سوی آینده» به افتخار قرار گرفتن قریب الوقوع  
در آستانه‌ی هفتادمین سالگرد آغاز پیکار حزب  
طراز نوین توده‌ها: حزب توده ایران، در راه تحقق  
حقوق کارگران و زحمتکشانشان، در راه بهروزی  
میهن و استقرار آزادی، استقلال و عدالت  
اجتماعی، تقدیم علاقمندان می‌گردد.

کتابخانه «به سوی آینده»، (هوادار حزب توده ایران)

